



حج امسال، حج برائت است
دیدار مسئولان و کارگزاران حج با رهبر انقلاب



رایزنی در تهران
گروسی به ایران آمد



بربال اساطیر
محمدعلی علومی درگذشت



مصائب اصلاح‌طلبی

سعید حجاریان در تحلیل جدید خود به آسیب‌شناسی جریان اصلاحات پرداخت

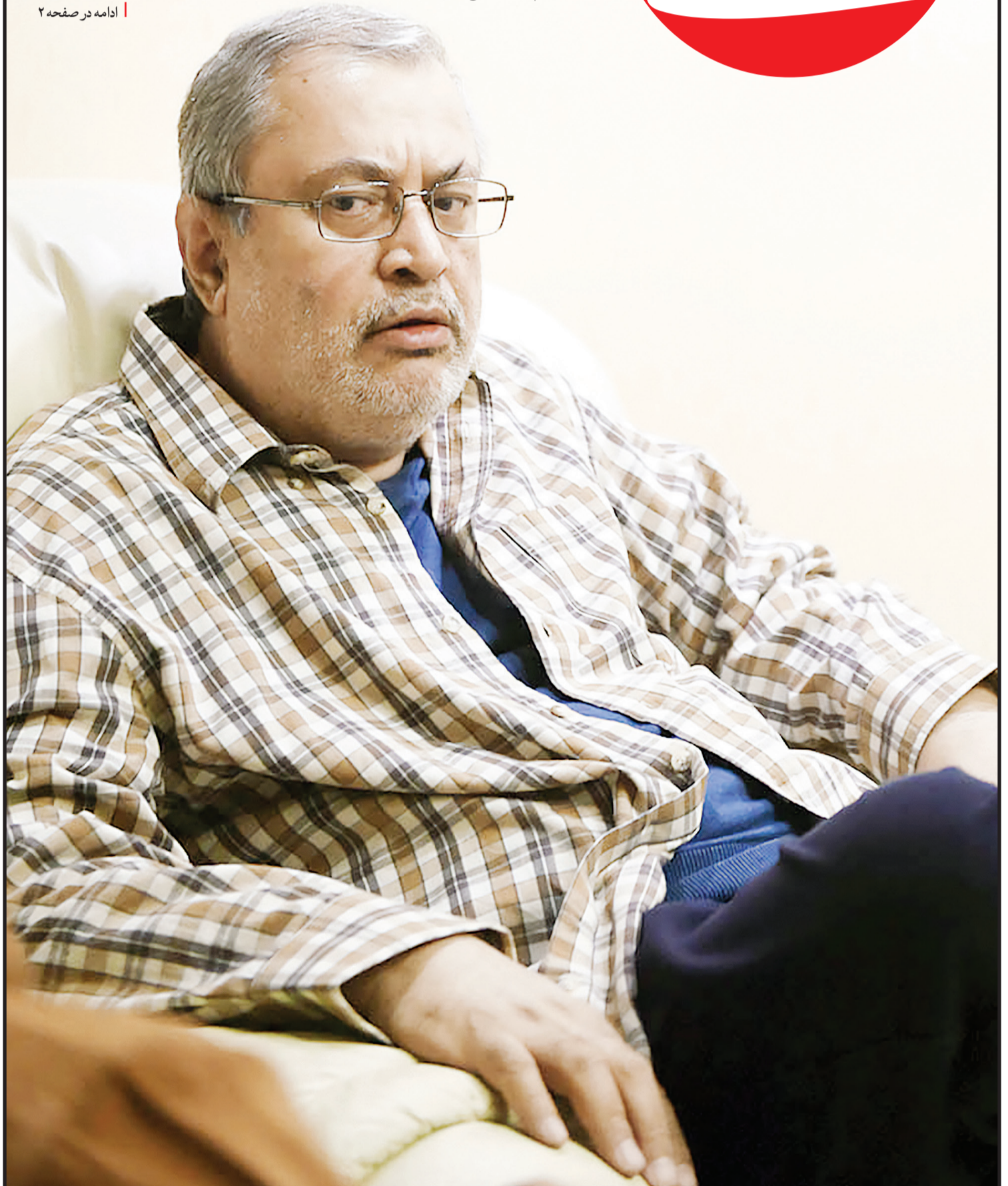
و به این سوال پاسخ داد که چرا اصلاح‌طلبان دیگر بخشی از راه‌حل در جمهوری اسلامی نیستند؟



هدا احمدی
گروه سیاسی

سعید حجاریان، توریست و سیاستمدار اصلاح‌طلب در جدیدترین یادداشت خود به نقد درونی اصلاح‌طلبان پرداخت و چرایی از کار افتادن جنبش اصلاحات که روزگاری به عنوان «بخشی از راه‌حل» در جمهوری اسلامی به آنها نگاه می‌شد را بررسی کرد. در این یادداشت که در وبسایت مشفق نو منتشر شده، آقای حجاریان ابتدا به تبارشناسی جریان اصلاحات از دو انقلاب پرداخته و با یادآوری آنها تأکید کرده که اصلاح‌طلبان از بدو پیروزی انقلاب دارای دو فاکتور مهم بودند که این دو فاکتور اکنون از کار افتاده و به بن‌بست رسیده است. عضو شورای مرکزی جبهه مشارکت ایران اسلامی این دو فاکتور را «درک صحیح وضع موجود» توسط اصلاح‌طلبان و نیز «نقش‌آفرینی» در جامعه و حکومت «به عنوان بخشی از راه‌حل» می‌داند. این یادداشت بلافاصله با واکنش سایت سیاسی مشرق نیز روبه‌رو شد. سایتی که نزدیک به هسته سخت قدرت است. مشرق با انتقاد از سخنان حجاریان و تحلیل او نتیجه گرفت که «این یادداشت آقای حجاریان عملاً یک مقدمه است که به نظر می‌رسد برای ارائه «طرح حضور اصلاح‌طلبان در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۴» نوشته شده و بر مقدمه هم نمی‌توان شرح نوشت!»

ادامه در صفحه ۲



رخنه در اروپا

رئیس‌جمهور چین به فرانسه رفت



یادداشت روز

ایدئولوژی‌زندگی

چرا مظاهر زندگی
برای اصولگرایان اهمیتی ندارد؟



صادق زیباکلام
استاد دانشگاه

برای اصولگرایان مظاهر زندگی مفهومی ندارد. در کل برای انسان‌هایی که به ایدئولوژی پایبند هستند و نسبت به یک عقیده یا امری یک باور عمیق دارند تنها مسأله‌ای که برایشان اهمیت دارد همان ایدئولوژی‌شان است بنابراین مظاهر دیگر زندگی مانند عشق، محبت، شهر و محیط زیست مفهومی ندارد. متأسفانه برای دولت هم همین‌طور است. تنها ایدئولوژی مطرح است. بنابراین اهمیتی برای شادی انسان‌ها و حتی آینده کشور قائل نیستند که این شادی در مواردی خلاصه می‌شود که پیش‌تر گفتیم. لذا هر موضوعی از این جهت برایشان اهمیت پیدا می‌کند که در راستای ایدئولوژی آنها تعریف شود. در غیر این صورت به هیچ عنوان مهم نیست. مثلاً فیلم و سینما زمانی برایشان اهمیت پیدا می‌کند که در جهت آن ایدئولوژی‌شان باشد. این مسأله‌ای نیست که تنها اصولگرایان و انقلابیون در ایران داشته باشند بلکه در تمام دنیا هم همین‌طور است. برای نظام ایدئولوژیک پل‌پوت خبرهای سرخ تنها مسأله‌ای که مطرح بود، ایدئولوژی ذهنی‌شان بود. برای آقای پوتین هم همین‌طور. ایشان بدون اهمیت به آسیب‌هایی که ایدئولوژی‌اش به کشور روسیه و دیگر کشورها می‌زند فقط به این فکر می‌کند که روسیه بزرگ‌تر شود و مجدداً مجد و عظمت گذشته را پیدا کند. تمامی ایدئولوژی‌ها به همین شکل هستند و اساساً مظاهر لطیف‌تر زندگی چندان برایشان مطرح نیست.

عده‌ای هستند که معتقدند هرچه مردم ناراضی‌تر باشند، اصولگرایان خوشحال‌تر می‌شوند زیرا عصبانیت مردم باعث پشت کردن آنها به صندوق رای، انتخابات و کنشگری سیاسی می‌شود و نهایتاً نیز عده‌ای مهاجرت می‌کنند و افسرده می‌شوند و دیگر کاری به سیاست ندارند و اصولگرایان راحت مناصب سیاسی و انتخاباتی را تصاحب می‌کنند اما تمام این تحلیل‌ها اشتباه است. زیرا هیچ ایدئولوژی‌ای نمی‌خواهد که تماماً کاری کند تا مردم ناراضی یا ناراحت باشند. ایدئولوژی، مخالف زندگی و امید نیست اما استفاده ابزاری از ایدئولوژی رفتار سیاسی این تقابل را به وجود می‌آورد. اصولگرایان در ایران نیز همین کار را می‌کنند مثلاً برای آقای زاکانی مظاهر زندگی چندان اهمیت ندارد. برای او مهم این است که وسط پارک‌ها ساختمان بسازد و درختان را قطع یا جابه‌جا کند. بنابراین، این حرکت شهردار فعلی تهران به اندیشه‌های سیاسی او برمی‌گردد که متأثر از یک نگاه خاص است. ساده‌ترین پیشنهادی که به آقای زاکانی می‌توان داد این است که یک نظرسنجی برگزار کند که اگر حتی ۱۵ درصد مردم با ساخت ساختمان وسط پارک‌ها موافق بودند، حق به وی بدهیم اما اگر اکثریت این را نخواستند، او باید آرامش مردم را فراهم کند و دیگر شهرداری حق ساخت و ساز در پارک‌ها را ندارد.

از آن سو در قبال این دیدگاه باید مذاکره کرد و به آنها نشان داد که شما در تمام جنبه‌های زندگی مردم نباید جریان داشته باشید. بگذارید مردم زندگی کنند. شادی‌های شخصی داشته باشند، محیط زیست و حفظ میراث کشوری که در آن زندگی می‌کنند را حفظ کنند. اگر اصولگرایان کمی به این مهم دست پیدا کنند که مظاهر زندگی همچون خود زندگی مهم است قطعاً جامعه پویاتری خواهیم داشت و ایران جای بهتری برای زندگی می‌شود.



ادامه تیتربک

مصائب اصلاح‌طلبی

رهنمود

رهبان انقلاب در دیدار مسئولان و کارگزاران حج و جمعی از زائران بیت‌الله‌الحرام تاکید کردند:

حج امسال، حج برائت است



رهبان معظم انقلاب اسلامی صبح روز گذشته در دیدار مسئولان و کارگزاران حج و جمعی از زائران بیت‌الله‌الحرام، ذکر پروردگار و «وحدت و ارتباط مسلمانان» را دو عنصر بسیار مهم معنوی و اجتماعی فریضه حج خواندند و با اشاره به حادثه عظیم غزه و جنایات رژیم خون‌آشام صهیونیستی گفتند: حج امسال در پیرو آیات قرآن کریم و یاد و نام مبارک حضرت ابراهیم (ع) باید فراتر از هر سال، حج برائت از این دشمن جنایتکار مسلمانان و حامیان آن باشد.

ایشان نکته برجسته بعد اجتماعی حج را وحدت و ارتباط مسلمانان با یکدیگر برشمردند و گفتند: فلسفه دعوت الهی از همه مردم برای حضور در مکانی مشخص و در ایامی مشخص، آشنایی مسلمانان با یکدیگر و همفکری و تصمیم‌گیری مشترک است تا نتایج مبارک و عینی حج نصیب عالم اسلام و همه بشریت شود که اکنون دنیای اسلام در زمینه تصمیم‌گیری مشترک، خلأ بزرگی دارد.

ایشان نادیده گرفتن تفاوت‌های ملیتی، مذهبی و قومی را مقدمه لازم وحدت دانستند و افزودند: اجتماع عظیم، یکدست و یک شکل پیروان همه مذاهب و فرق اسلامی از همه ملیت‌ها، نمود بارز وجه سیاسی - اجتماعی حج است. آیت‌الله خامنه‌ای افزودند: البته ضرورت عبور از تفاوت‌ها و مسائل تفرقه‌انگیز مخصوص حج نیست و در آیات متعدد قرآن بر وحدت و همدلی مسلمانان تاکید شده است.

رهبان انقلاب با اشاره به اینکه فریضه حج باید مشحون از نام مبارک حضرت ابراهیم و تعالیم آن پیامبر بزرگ باشد، برائت از دشمنان دین خدا را از جمله تعالیم ارزشمند ابراهیمی خواندند و گفتند: از ابتدای انقلاب، برائت یک رکن جاری در حج بوده اما امسال و بسا توجه به حوادث عظیم و عجیب غزه که بیش از همیشه چهره خون‌آشام مجموعه برخاسته از تمدن غربی را آشکار کرده، حج امسال به صورت ویژه حج برائت است.

آیت‌الله خامنه‌ای حوادث کنونی غزه را شاخصی ماندگار برای تاریخ دانستند و افزودند: حملات وحشیانه سگ‌ها صهیونیستی از یک طرف و مقاومت و مظلومیت مردم غزه از طرف دیگر در تاریخ می‌ماند و راه را به بشریت نشان می‌دهد که بازتاب شگفت‌انگیز و بی‌سابقه آن در جوامع غیرمسلمان و دانشگاه‌های آمریکا و بعضی کشورهای دیگر از نشانه‌های این تاریخ‌سازی و شاخص‌سازی است.

ایشان در تبیین وظیفه امت اسلامی در قبال فجایع غزه در فرصت حج ابراهیمی به نمونه‌های متعدد قرآنی از سیره حضرت ابراهیم (ع) اشاره کردند و گفتند: ابراهیم (ع) جزو پیامبرانی است که دل نرفت و بسیار مهربانی دارد اما همین پیامبر الهی در مقابل دشمنان ظالم و سستیزه‌گر به شدت اظهار برائت و به صراحت اعلام دشمنی می‌کند.

رهبان انقلاب با اشاره به آیات قرآنی که دوستی با دشمنان مستمکر را هم کاملاً نهی می‌کند، رژیم صهیونیستی را مصداق کامل دشمنی با مسلمانان و آمریکا را همدست این رژیم خواندند و افزودند: اگر کمک آمریکا نبود آیا رژیم صهیونیستی قدرت و جرأت این رفتار وحشیانه با مردم مسلمان و زنان و کودکان را داشت؟ آیت‌الله خامنه‌ای افزودند: عامل قتل مسلمانان و آواره کردن آنها و پشتیبانی آن، هر دو ظالم هستند و طبق صریح قرآن اگر کسی با آنها دست دوستی بدهد او نیز ظالم و مستمکر و مشمول لعنت خداوند است.

ایشان با توجه به شرایط کنونی جهان اسلام، رویکرد ابراهیمی به حج، یعنی برائت آشکار در مقابل دشمنان را ضروری‌تر از همیشه خواندند و گفتند: بر این اساس حجاج ایرانی و غیرایرانی باید بتوانند منطق قرآنی در پشتیبانی از ملت فلسطین را به همه دنیای اسلام منتقل کنند.

آیت‌الله خامنه‌ای افزودند: البته جمهوری اسلامی منتظر دیگران نماند و نمی‌ماند اما اگر دست‌های قوی ملت‌ها و دولت‌های اسلامی به کمک و همراهی بیاید، حالت رقت‌بار ملت فلسطین ادامه پیدا نخواهد کرد.

اما حجاج‌ها چه گفته است؟ مدیرمسئول روزنامه توقیف شده صبح امروز در ابتدا تحلیل خود را تلاشی دانست برای طرح یک مسأله، آسیب‌شناسی یک روند و در حد وسیع ارائه چند پیشنهاد، دانسته و در ادامه با طرح یک مثال آورده است: «برای ورود به بحث ناگزیر از طرح یک مثال هستم. همه ما در سطوحی با مسأله‌ها، بحران‌ها و بعضاً فجایعی دست به گریبان هستیم و برای مواجهه با آنها به ابزارهایی متوسل می‌شویم. این ابزارها در مواقعی به حل مسأله و مدیریت بحران کمک می‌کنند و حتی قادر هستند از فجایع جلوگیری کنند و در برخی موارد واجد چنین کارکردی نیستند. به گمان من به سیاست نیز می‌توان از این منظر نگریست؛ یعنی مسأله‌ها، بحران‌ها و فجایعی را فهرست کرد سپس پرسید آیا ابزارها و ابتکارهای متعارف احزاب، جبهه‌ها و حتی افراد واجد کارکرد مثبتی هستند یا خیر؟»

او در ادامه تحلیل خود کمی به عقب برمی‌گردد و می‌نویسد که از بدو تاسیس جمهوری اسلامی ایران، جریان‌هایی که ابتدا به نام چپ [خط امام] سپس اصلاح‌طلب شناخته می‌شد، کوشید ضمن تلاش برای درک صحیح وضع موجود به بخشی از راه‌حل تبدیل شود. به عنوان نمونه در زمانی که گروه‌های سیاسی - نظامی عرصه سیاست و اجتماع را تسخیر کرده بودند، این جناح تلاش کرد بر وزن سیاست بگیرد و از نظامی‌گری بکاهد یا به عبارتی از عرصه عمومی اسلحه‌زدایی کند که حاصل این تلاش به اعلامیه ۱۰ ماده‌ای دادستانی ختم شد. یا در دوره‌ای که نظام اطلاعاتی کشور به شکل پراکنده اداره می‌شد و هر گروه به صلاح‌دید خود نسبت به عملکردش پاسخگو بود، تلاش شد نهاد اطلاعات کشور جمع‌شود و به عنوان یک وزارتخانه تحت اشراف قوه مقننه قرار بگیرد تا امر پاسخگویی ممکن شود. مضاف بر اینها باید به بحث زمان و مکان در قفه حکومتی ارجاع داد؛ باب این امر ابتدا از سوی بنیانگذار انقلاب اسلامی و در پی سنگینی نگاه فقه سنتی بر نظام تقنینی و حل مسأله کشور گشوده شد اما بعدتر جریان روشنفکری دینی با تلاش مضاعف بر آن شد، نگاه و کارکردی متفاوت به دین ببخشد و از قرآنت‌های تئوکراتیک بکاهد و بر ابعاد دموکراتیک و دگرخواهانه بیفزاید. افزون بر اینها می‌توان درباره آنچه بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران گذشت نیز تامل کرد؛ دولت اصلاحات نوانست با ابتکارانی پرستیژ ایران را در منطقه و جهان ارتقا دهد و ضمناً در بحران‌هایی مانند افغانستان، ۱۱ سپتامبر همچنین حمله نظامی به عراق، جنگ‌طلبی و تش‌زدایی را تعدیل کند. و در آخر باید به انتخابات ۹۲ اشاره داشت که جریان اصلاحات بدرغم پرورنده مفتوح انتخابات ۸۸ در جمیع ابعاد به بن‌بست‌شکنی کمک کرد و در جهت کاستن از سرعت فرآیند فرسودگی کشور گام برداشت. البته همه این موارد طبعاً واجد خطاها و کاستی‌هایی بوده که فهرست کردن و نقد قاعده‌مند آنها می‌تواند راهگشا باشد.

بحران اساسی جبهه اصلاحات

مشاور امنیتی سیدمحمد خاتمی در دولت اصلاحات در ادامه یادداشت خود آورده است: اینک به نظر می‌رسد دو فاکتور مذکور یعنی درک صحیح وضع موجود و نقش‌آفرینی به عنوان بخشی از راه‌حل، اگر نگویم به بن‌بست رسیده، دست‌کم با بحران اساسی مواجه شده‌اند. بحرانی که دامن‌گیر احزاب اصلاح‌طلب، جبهه اصلاحات ایران و... نیز شده و بیم آن می‌رود چون آفت به سراغ ریشه‌ها نیز برود.

همچنین او درباره نظام ادراکی اصلاح‌طلبان می‌نویسد که طی سالیان گذشته، مجموعه‌ای از تلاش‌ها رخ داد و کمک کرد تا اصلاح‌طلبان درکی نسبتاً روشن از وضع موجود یا به تعبیری «منطق موقعیت» به دست بیاورند. این تلاش‌های سه وجهی شامل: ۱) فعالیت مستمر و هدفمند حزبی - جبهه‌ای، ۲) کوشش‌های محققانه و ۳) حضور موثر در نظام اداری کشور بوده است که امروزه هر سه وجه محل تامل‌اند. یعنی آنچه مزیت نسبی اصلاح‌طلبان - به عنوان جریان آلترناتیو - به شمار می‌رفت، رقیق شده و رو به اضمحلال رفته است. در وجه اول شاهد فقدان خلاقیت حزبی از یک‌سو و کاستی‌های بسیار در تئوریک و پراتیک سیاست‌ورزی حزبی هستیم. در مقابل رقیب که اساساً تحزب را امری ثانوی و محل نظم عمودی - دستوری در سیاست می‌پندارد ضمن آنکه خود همچنان به زیست محفلی و باندی وفادار است، تلاش می‌کند با حداکثر توان از احزاب رقیب سازمان‌زدایی کند.

به نوشته او، در وجه دوم با افت قابل ملاحظه تولیدات نظری، خاصه در زمینه مسائل توسعه و علوم انسانی روبه‌رو هستیم و گاه، تلاش‌هایی رهن و تعمیم‌های انحرافی را مشاهده می‌کنیم که نه تنها قابلیت انطباق بر شرایط کنونی ایران را ندارند بلکه مخل پروژه‌های اصلاحی می‌شوند. در سوی دیگر، جریان رقیب تلاش داشته از کلمات مشنومه و حوزه‌های ممنوعه از

قبیل علوم انسانی، الهیات جدید و جز اینها قیج‌زدایی کند و به شکل قرارگاهی بر این حوزه‌ها متمرکز شود و آنها را تصرف کند. تعدد نشریات علوم انسانی و برنامه‌های سمعی - بصری وابسته به نهادهای حاکمیتی، تصویری به نسبت روشن از این وضعیت به نمایش می‌گذارد. البته که نگارنده معتقد است هنوز این جریان با جوشش‌ها و کوشش‌های تئوریک معتبر فاصله‌ای قابل توجه دارد. به اینها اضافه کنید ارتقاء متوسط سواد عمومی و تسلط بر زبان‌های خارجی همچنین امکان دسترسی به منابع آکادمیک برای کنشگران آزاد و البته ابزارهای هوش مصنوعی که قادرند بی‌نیاز از ایستگاه‌های مرسوم تغذیه فکری جناحی، خوراک فکری شهروندان منفرد را تأمین کنند. در وجه سوم با عدم حضور موثر اصلاح‌طلبان در نظام اداری کشور مواجه هستیم. این عدم حضور تا حد زیادی معلول نگاه دگرساز و غیرت‌ستیز ساخت قدرت بوده است چنانکه می‌بینیم عمده تلاش جریان رقیب اصلاح‌طلبان بر فتح بروکراسی و ویژه‌خواری، آن هم به مبتذل‌ترین شکل آن بوده است. اما از سوی دیگر نمی‌توان بر یک ضعف اساسی، یعنی عدم کادرسازی و از آن مهم‌تر محافظه‌کاری حتی در مواجهه با اختیارات قانونی چشم بست. وضعی که در درجه اول نظام ارتقاء جناحی - باندی و در درجه بعد انواع تبعیض‌های جنسی، قومی و... را در پی داشته است. مع‌الوصف شاید بتوان گفت اشغال بروکراسی و ورود به سیاهه حقوق - دستمزد دولت دیگر لزوماً مزیت یک جریان سیاسی آلترناتیو به حساب نخواهد آمد.

نقش‌آفرینی به عنوان بخشی از راه‌حل، نکته دیگری است که این سیاستمدار از آن می‌نویسد: «برای توضیح این سرفصل نخست باید تفکیکی میان سیاست پایین‌دستی (low politics) و سیاست بالادستی (high politics) قائل شد. اگر تالیان پیش میان این دو سطح از سیاست تعادلی برقرار بود، اینک به نظر می‌رسد، کفه سیاست بالادستی به سنگینی گرایش پیدا کرده است. بدین معنا که نظام سیاسی به ذیل اختیارات منصوص و حصری و حتی شورای‌های قانونی /فراقانونی بسننده نکرده و خود رأساً به امور پایین‌دستی ورود کرده است. از دیگر سو سیاست پایین‌دستی به حدی تنزل یافته که اگر نگویم هیچ‌گونه امکان اثرگذاری بر آن مترتب نیست، دست‌کم باید بر اثرگذاری حداقلی آن تفاهم کنیم؛ آن هم در حد جوانان حزب رستاخیز که نهایتاً ذیل سیاست دفاع از مصرف‌کننده، آمار گران‌فروشی و گران‌فروشان را گزارش می‌کردند!

وی در این تحلیل می‌گوید که این وضعیت چندعاملی چرخ فعالیت کنشگران اصلاح‌طلب را دستخوش اختلال کرده است. به عبارتی نه ورودی‌ها (inputs) با واقعیت همخوان‌اند، نه نظام هنجاری با مطالبات جامعه تنظیم است و نه با ابداعات و بضاعت کنونی راهی برای اثرگذاری باقی مانده است. برای این ادعا مثال‌هایی را ذکر می‌کنم که به نظر موجب صدمه دیدن پایگاه اجتماعی اصلاح‌طلبان شده‌اند. سابق بر این دستگاه ادراکی - تحلیلی جریان اصلاحات، حسب دریافت خود از وضع موجود از طریق ابزارهای در دسترس به اموری به نسبت کلان‌واکنش نشان می‌داد.

گذار به الگوهای جدید و نامتعارف

به عقیده سعید حجاریان حال آنکه امروز با تغییر گارد حاکمیت و گذار به الگوهای جدید و نامتعارف از جمله در: مسأله واگذاری و تخصیص منابع، مسأله خصوصی‌سازی، مسأله نظام دانش و طبقاتی شدن آن، مسأله کارگران و زیر ضرب رفتن آنها و فقدان توان چانه‌زنی موثر این قشر، مسائل نظام درمان و تعرفه‌ها، مسأله شهر و الگوی درمفه توسعه آن، مسأله تبعیض مضاعف در تحرک‌های عمودی در بروکراسی خاصه در مورد زنان و نیروهای مستقل و صاحب فکر و... کوششی در خور، جهت فهم مسأله و تجویز راه‌حل صورت نمی‌پذیرد یا اگر هم تلاشی صورت می‌گیرد، ارتباط موثری با جامعه هدف برقرار نمی‌کند. به عبارتی، جریان‌هایی که سابقاً دارای تصویری کلان از نظام اداره عمومی کشور بود اینک فاقد آن تصویر شده است. به اینها اضافه کنیم مواردی که به سیاست‌های کلی نظام راجع است و اساساً باب گفت‌وگو در باره‌شان بسته است؛ خواه به علت محافظه‌کاری، خواه به دلیل فقدان تئوری منسجم و منطبق با واقعیت و خواه به سبب اندازها و محدودیت‌ها.

این وضعیت ترسیم شده از نظر حجاریان، سه پیامد را به دنبال دارد. نخست آنکه، کار ویژه اصلاح‌طلبان - که همان دیوار حائل (بالشتک ضربه‌گیر) میان جامعه و حکومت بود، از میان می‌رود. یعنی نظام سیاسی صرفاً خود را در برابر توده مردم می‌بیند و طبعاً «فهر» را بر سایر ابزارها رجحان می‌دهد. دوم آنکه، جامعه به سوی نوعی خودبستگی هدایت می‌شود و بی‌پشتوانه و بدون تئوری و پیوستگی تاریخی به وادی عمل وارد

می‌شود و به شکل اقتضایی عمل می‌کند. به گفته حجاریان، نام این وضعیت را می‌توان «تسطیح سیاست» نهاد، بدین معنا که تصادم دولت و جامعه به غایت افزایش پیدا می‌کند و مردم مستمراً متحمل هزینه‌های گزاف می‌شوند. همچنین ضربه‌ناپذیری - یا ضربه‌پذیری حداقلی - مردم به شکل توده‌ای در دولت اصلاحات می‌تواند، مؤید این تحلیل و اهمیت این کارویژه اساسی باشد؛ چنانکه در تمامی ادوار دولت در جمهوری اسلامی جز دولت اصلاحات ضربه‌پذیری نادرست بیماری و تجویز نادرست دارو همراه بر خاسته از شورش وجود داشت و دولت نتوانست به عنوان ضربه‌گیر از وارد آمدن خسارت به مردم بکاهد. سوم آنکه متعاقب این روند نوعی تصویرسازی دفرمه به نظام تحلیلی اصلاح‌طلبان تحمیل می‌شود. نخستین مرحله این تصویرسازی، اختلال در نظام مسأله‌یابی است. این اختلال، که شاید در پزشکی نیز شایع باشد، با تشخیص نادرست بیماری و تجویز نادرست دارو همراه است. مرتبط کردن سنگ‌اندازی‌ها در پروژه‌های اصلاحی و برگشت‌پذیری آنها به مؤلفه‌هایی چون «الحسن»، «ادبیت تحریک‌آمیز» و... جزئی از این نظام اختلالی است؛ حال آنکه می‌توان فهرستی از لحن‌های آرام و ادبیات غیرتحریک‌آمیز را بر آفتاب فکند و این فرضیه را ابطال کرد. دومین مرحله این تصویرسازی «برساختن خصم» است. چنانکه اختلال در نظام مسأله‌یابی به هسته مرکزی یک تفکر بدل شود، ناخودآگاه آن تفکر به برساختن خصم رهنمون می‌شود. بدین معنا که آگاهانه یا از سر خطای تحلیلی صرفاً به بخشی از صحنه سیاست نور تابانده و خصم جدید علت‌العلل مسائل معرفی می‌شود. حال آنکه اساساً منطق اصلاحات، نه خصم‌پرور است و نه حذف‌محور.

واکنش مشرقی به یادداشت حجاریان

همان‌طور که در اول این گزارش نیز به آن اشاره شده، یادداشت سعید حجاریان نیز مانند تمام تحلیل‌هایش واکنش اصولگرایان را در پی داشت. اولین واکنش تند را سایت مشرق نشان داد و در گزارشی نوشت که آقای حجاریان به چه حقی طرح عقلائی و خیرخواهانه شهدای عزیزی مثل بهشتی، قدوسی و رجایی (که منجر به بیانیه دادستانی شد) در امنیت‌بخشی به انقلاب نوپای اسلامی را به حساب چه‌های مدعی خط امام فاکتور کرده است؟!

شرق نیز تاکید کرد که یادداشت آقای حجاریان عملاً یک مقدمه است که به نظر می‌رسد برای ارائه «طرح حضور اصلاح‌طلبان در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۴» نوشته شده و بر مقدمه هم نمی‌توان شرح نوشت؛ بماند که در قضایای سلاح‌های خیابانی آن روزها رد پاهایی از اصلاح‌طلبان نیز به چشم می‌خورد که محققان امنیت و تاریخ حتماً باید آنها را بررسی کنند. همچنین منظور حجاریان از «ارتقای پرستیژ ایران در نظام بین‌الملل» را دقیقاً نمی‌دانیم! آیا منظور او طرح بی‌محتوا و غیراجرایی خامی و گفت‌وگوی تمدن‌هاست که دست آخر به «محور شرارت خطاب شدن ایران از سوی آمریکا» انجامید؟ یا آن همه فرارومدارهای عجیب‌وغریب برخی اصلاح‌طلبان سستادی بسا نظریه‌پردازان آمریکایی که در دولت اصلاحات محقق شد؟

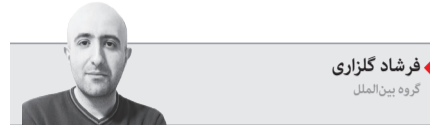
در ادامه آمده است: «جالب‌تر اینکه حجاریان تدابیر نظامی و امنیتی ولایت فقیه در دهه ۸۰ و هم‌زمان با جنگ‌طلبی‌های آمریکا در منطقه را نیز ننید گرفته و آنها را در ادامه رزومه‌سازی خود برای اصلاح‌طلبان سند زده است! بماند که اساساً تاریخ نمی‌داند، نقش اصلاح‌طلبانی که همواره منتقد سیاست‌های امنیتی و بین‌المللی ایران و تصمیمات ولایت فقیه در این رابطه بوده‌اند در امنیت‌بخشی به ایران و ارتقای پرستیژ ایران چه بوده است؟»

مشرق از حضور اصلاح‌طلبان در انتخابات ۹۲ هم می‌نویسد که آقای حجاریان هنگامی باید مدعی حضور خود و دوستانش در انتخابات ۹۲ و بن‌بست‌شکنی شود که یک برگ سند رسمی مبنی بر حمایت از یک نامزد حاضر در این انتخابات بیاورد؟!

همچنین در ادامه این گزارش نوشته شده است: «بله! آنها همانند ۳ انتخابات اخیر؛ انتخابات ۹۲ را هم تحریم کرده بودند بسا این تفاوت که مثل الان جسارت ارائه بیانیه رسمی تحریم انتخابات را نیافته بودند. از همین‌رو سکوت کردند و حتی محمدرضا عارف که اجباراً به عنوان نامزد اصلاح‌طلبان شناخته می‌شد را نیز از عرضه انتخابات کنار بردند تا نام‌نمائی از آنها در انتخابات نباشد». این سایت اصولگرا نوشت: «قضایا به‌گونه‌ای پیش رفت که عارف هم بدون اینکه هیچ حمایت رسمی از روحانی داشته باشد از انتخابات کنار کشید و هیچ بیانیه رسمی هم در حمایت از روحانی از جانب اصلاح‌طلبان صادر نشد. تا اینکه به ناگاه شیخ حسن روحانی به‌رغم انتظارات رای آورد و پیروز انتخابات شد و اصلاح‌طلبان با مساعد دیدن اوضاع آنا شریک گفتند و ۸ سال اجرانیات کشور را به سمت‌وسوی که می‌خواستند، بردند!»

رخنه در اروپا

رئیس‌جمهوری چین در تور اروپایی خود تامین منافع پکن را چگونه دنبال می‌کند؟



فرهاد گلزاری
گروه بین‌الملل

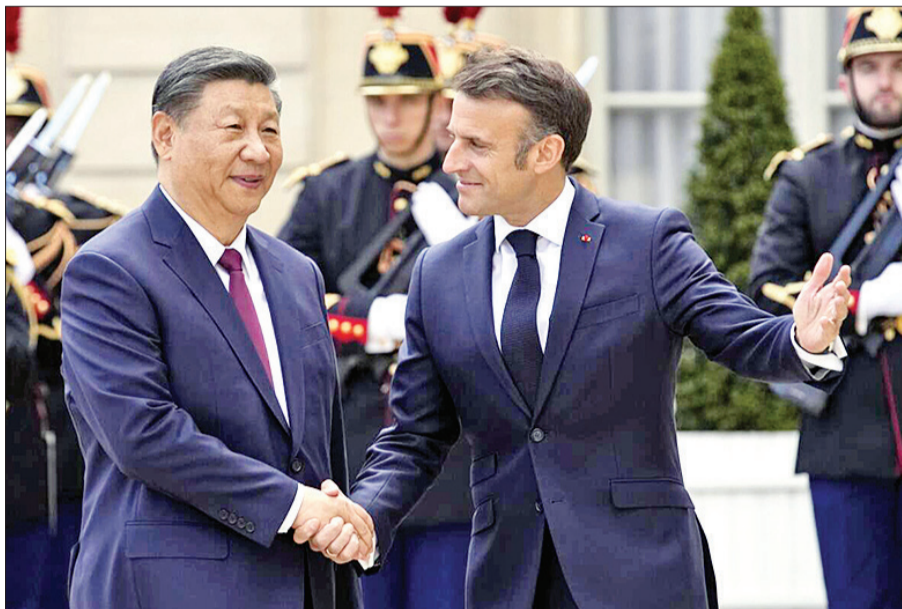
رئیس‌جمهوری چین روز دوشنبه برابر با ششم ماه می در چارچوب سفری رسمی وارد فرودگاه اورلی پاریس شد و توسط گابریل آتال، نخست‌وزیری فرانسه مورد استقبال قرار گرفت. براساس گزارش یورنیوز، شی بلافاصله در کاخ الیزه از سوسو امانوتل ماکرون، رئیس‌جمهوری فرانسه پذیرایی شده و برگزاری مراسم رسمی در هتل ملی لژتولید و چندین مصاحبه رسانه‌ای از برنامه‌های فشرده صبح روز اول این دیدار مهم بوده است. همچنین نشست‌های دوجانبه میان شی و ماکرون به همراه جلسات مطبوعاتی و نیز یک نشست تجاری میان مقامات فرانسه و چین از جمله دستور کار سفر شی خواهد بود.

در این میان شی در یک سخنرانی از پیش نوشته شده درباره روابط دو کشور در بدو ورود به فرودگاه پاریس بر عزم چین و فرانسه برای گسترش همکاری‌ها تاکید کرد. شی جین پینگ در سخنرانی خود اظهار کرد که در ۶۰ سال اخیر، روابط چین و فرانسه برای مدتی طولانی در رأس روابط چین با کشورهای بزرگ غربی بوده و الگوی خوبی از یک جامعه بین‌المللی با همزیستی مسالمت‌آمیز و همکاری برد - برد میان کشورهای با سیستم‌هایی مختلف بوده است.

وی همچنین گفت که گسترش روابط چین و فرانسه به ملت‌های دو کشور سود می‌رساند و ثبات و انرژی مثبت به این جهان آشفته تزریق می‌کند. شی تصریح کرد که چین آماده تحکیم دوستی دیرینه، تقویت اعتماد متقابل سیاسی، ایجاد اجماع راهبردی و تعمیق مبادلات و همکاری با فرانسه است. در این راستا، خبرگزاری فرانسه گزارش داد که انتخاب پاریس به عنوان تنها قدرت اصلی اروپایی در برنامه سفرش نشان‌دهنده اهمیتی است که رهبر دولت تک‌حزبی کمونیستی با بیش از ۱/۴ میلیارد نفر جمعیت به ماکرون به عنوان رئیس‌جمهوری یک کشور قدرتمند اتحادیه اروپا طی دو سال در تهاجم روسیه قائل است. ماکرون در افتتاحیه نشست سه‌جانبه اولیه با حضور اورزلا فون درلاین، رئیس کمیسیون اروپا گفت که هماهنگی با پکن در مورد بحران‌های بزرگ از جمله اوکراین کاملاً تعیین‌کننده است و بر قوانین عادلانه برای همه در تجارت اروپا و چین تاکید کرد.

ماکرون در افتتاحیه این نشست سه‌جانبه همچنین اظهار کرد که آینده قاره اروپا به وضوح به توانایی ما برای ادامه توسعه روابط با چین به شیوه‌ای متعادل بستگی دارد. فون درلاین هم در این نشست سه‌جانبه گفت که برای رقابت عادلانه با چین در تجارت جهانی به این کشور فشار خواهد آورد و افزود که در گفت‌وگوهای قبلی با شی به صراحت گفته است که عدم تعادل فعلی در دسترسی به بازار پایدار نیست و باید به آن رسیدگی شود.

او معتقد است که اروپا نسبت به روابط خود با چین که یکی از پیچیده‌ترین و در عین حال یکی از مهم‌ترین روابط به شمار می‌رود بسیار شفاف عمل کرده ولی فکر می‌کنیم که باز هم باید در این خصوص شفاف‌سازی و هماهنگی‌های بیشتری انجام شود. شی جین پینگ هم در آغاز نشست پاریس گفت که جهان امروز وارد دوره جدیدی از آشفتگی و تغییر شده اما چین و اروپا به عنوان دو نیروی مهم در جهان باید به طور مداوم کمک‌های جدیدی به صلح و توسعه جهانی داشته باشند.



چند مساله!

اینکه هدف شی از سفر به فرانسه سپس حضور او در صربستان و مجارستان چیست و او قرار است در این راستا چه اقداماتی را انجام دهد یا اینکه می‌خواهد چه سندی را امضا کند، موضوعی است که ابعاد مختلف دارد اما یک نکته در این میان بسیار مهم جلوه می‌کند و آن هم حس ترس و واهمه اروپا از چین و تحولاتی است که در نظام بین‌الملل جریان دارد. دو روز پیش جوزف بورل، رئیس سیاست خارجی اتحادیه اروپا در سخنرانی خود واقع در دانشگاه آکسفورد صراحتاً این ترس و واهمه را عملیاتی و عیان کرد. او گفت: «من چین را می‌بینم که به جایگاه ابرقدرتی می‌رسد. آنچه چین در ۴۰ سال گذشته انجام داده در تاریخ بشریت بی‌نظیر است. در ۳۰ سال گذشته، سهم چین از تولید ناخالص داخلی جهان از ۶ درصد به تقریباً ۲۰ درصد رسیده است، در حالی که ما اروپایی‌ها از ۲۱ درصد به ۱۴ درصد و ایالات متحده از ۲۰ درصد به ۱۵ درصد رسیده است.» بورل معتقد است که چین در حال تبدیل شدن به یک رقیب برای اروپا و ایالات متحده بوده؛ نه تنها در تولید کالاهای ارزان بلکه به عنوان یک قدرت نظامی در خط مقدم توسعه فناوری و ساخت فناوری‌هایی که آینده غرب را شکل خواهند داد، جهش چشمگیری داشته است. این سخنان را اگر در کنار اظهارات رئیس کمیسیون اروپا، رئیس‌جمهوری فرانسه و حتی مقامات ایالات متحده قرار دهیم به خوبی می‌بینیم که ساختار سیاسی - امنیتی غرب اساساً در یک صف‌بندی مشخص علیه پکن قرار دارد.

در این راستا اما باید متوجه بود که حزب کمونیست خلق چین عملاً سمت‌وسوی دیگری را برگزیده است و بسیار هوشمندانه و البته زیرپوستی در حال رخنه به بدنه و بطن آرگونومی اقتصادی و حتی فرهنگی اروپاست. واقعیت این است که دو غول این ماجرا یعنی چین و آمریکا سعی می‌کنند یک موازنه مشخص را در قبال روابط دوجانبه خود در دستور کار قرار دهند؛ به گونه‌ای که در اوج تخاصم اقتصادی و سیاسی میان دو طرف در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ باز هم شاهد آن بودیم «جنگ تعرفه‌ها» به سمت‌وسوی رفت که عملاً مقامات پکن و واشنگتن مجبور شدند مجدداً برای تنظیم و ایجاد یک بالانس مشخص در این پرونده، پای میز مذاکره بنشینند. این تنش حداقل به نظر می‌رسد میان چین و آمریکا در شرایط فعلی که دولت بایدن در کاخ سفید مستقر است نسبت به دوران ترامپ کمتر شده

گزارش دیپلماسی

رایزنی در تهران

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همزمان با نخستین کنفرانس بین‌المللی علوم و فنون هسته‌ای در اصفهان وارد ایران شد

رافائل گروس، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بعد از ظهر روز دوشنبه به منظور شرکت و سخنرانی در کنفرانس علوم و فنون هسته‌ای ایران و البته دیدار با برخی از مقامات کشورمان وارد تهران شد. وی در بدو ورود مورد استقبال بهروز کمالوندی، سخنگو و معاون امور بین‌الملل، حقوقی و مجلس سازمان انرژی اتمی ایران قرار گرفت. مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همچنین در تهران با حسین امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه دیدار و گفت‌وگو کرد. گروس همچنین در مذاکراتی جداگانه با علی باقری، معاون سیاسی وزیر امور خارجه دیدار و گفت‌وگو کرد.

همچنین نخستین کنفرانس بین‌المللی علوم و فنون هسته‌ای در اصفهان با حضور و سخنرانی محمد اسلامی، رئیس سازمان انرژی اتمی افتتاح شد. رئیس سازمان انرژی اتمی کشورمان در افتتاحیه این کنفرانس اظهار کرد که ایران نیز همانند سایر اعضای دیگر آژانس مصمم به این است که فناوری هسته‌ای را توسعه دهد، امروز اراده جمعی کشورها برای صفر کردن کربن تا سال ۲۰۵۰ به یک میثاق تبدیل شده و آنها سه برابر کردن نیروگاه‌های هسته‌ای را هدف‌گذاری کردند. ما نیز با سرعت بیشتری در راستای دستیابی به صنعت هسته‌ای برای انرژی اتمی تلاش می‌کنیم. اسلامی تصریح کرد: ایران اراده رسیدن به ۲۰ هزار مگاوات برق را تا سال ۱۴۲۰ در برنامه خود داشته و این طرح‌ها را در سواحل شمالی و جنوبی کشور در دست اجرا دارد. از همین جا دعوت می‌کنم از کشورهای که آمادگی سرمایه‌گذاری خارجی در ایران را دارند در این برنامه‌ها مشارکت داشته باشند.

رئیس سازمان انرژی اتمی بیان کرد: در گسترش فعالیت‌های هسته‌ای، توسعه منابع انسانی را هم داریم و تا دو ماه آینده اولین مرکز آموزش بین‌المللی هسته‌ای را در اصفهان افتتاح می‌کنیم و آن را به قطبی تأثیرگذار برای تأمین منابع انسانی حال و آینده سازمان انرژی اتمی تبدیل می‌کنیم. اسلامی ادامه داد: سازمان انرژی اتمی در این سال‌ها دیدارهایی که سرآمد هستند در پرورش استعدادها را پشتیبانی کرد و ما این فرآیند جذب و آموزش نیرو را گسترش خواهیم داد. وی ادامه داد: اولین نیروگاه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران که دهمین سال کار خودش را پشت سر گذاشت بیش از ۶۳ میلیارد کیلو وات ساعت برق به شبکه تریق کرده و این انرژی تولید شده معادل ۶۰ تن آلایند حذف شده و این تولید انرژی موجب عدم استفاده از ۱۰۳ میلیون شبکه نفت شده است. اسلامی افزود: همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در چارچوب انبساطی در سرفصل راهبردهای سازمان انرژی اتمی قرار دارد و طبق گزارش‌های آژانس ۲۲ درصد بازرسی‌های کل جهان را داریم. این حجم بازرسی از هیچ کشوری در طول تاریخ صورت نگرفته است. رئیس سازمان انرژی اتمی بیان کرد: امیدواریم آژانس بتواند نقش خود را به صورت مستقل و به دور از نفوذها و فشارهای سیاسی ایفا کند؛ به گونه‌ای که همه کشورها از علوم و فنون هسته‌ای بهره‌مند شوند. وی در پایان خاطر نشان کرد: امیدوارم این کنفرانس را دو سالانه ادامه دهیم و در پرتو این همکاری‌ها، علوم و فنون هسته‌ای بدون نفوذ قدرت‌ها در اختیار همه کشورها قرار گیرد.

جواد کریمی‌ثابت، معاون رئیس سازمان انرژی اتمی و رئیس انجمن هسته‌ای ایران هم در مورد نخستین کنفرانس بین‌المللی علوم و فنون هسته‌ای گفت که این کنفرانس در ۱۶ پنل و ۱۳ محور کار خود را آغاز کرده و واقعیت این است که با ارائه مقالات و مطالبی که عرضه می‌شود، می‌توانیم این نکته را اذعان کنیم که فناوری هسته‌ای در کشور ما به یک بلوغ رسیده است. وی همچنین گفت که چالش‌هایی مانند محیط زیست، تغییرات اقلیمی و بحث اسیدی شدن آب اقیانوس‌ها و سایر ابرچالش‌ها و موضوعاتی مانند امنیت انرژی و امنیت تامین غذا، آب و موضوعاتی که مستقیماً به حیات بشری ربط دارد، چالش‌هایی است که هم‌اکنون جهان با آن روبه‌رو است و باید در مورد آنها پاسخ جهانی داده شود.



كُلُّ مَنْ عَلِيهَا قَانَ وَيَقِي وَجْدَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

ضایعه تأثیربرانگیز فقدان نویسنده، طنزپرداز و اسطوره‌شناس معاصر

زنده یاد محمدعلی علومی

موجب تاسف و تأثر عمیق گردید.

زنده‌یاد علومی در طول زندگی پرافتخار خود خدمات چشمگیری به حوزه فرهنگ و هنر و ادب این سرزمین نمود و بدون تردید نام و یاد او همواره جاودان خواهد بود.

اینجانب این مصیبت را به خانواده زنده‌یاد علومی، جامعه فرهنگ و ادب استان کرمان و مردم فرهنگ‌پرور به تسلیت عرض نموده

و برای آن عزیز از دست رفته، آرامش و برای بازماندگان، صبوری آرزومندم.

سید حسین مرعشی

دریچه: تحلیل عادات

شاید که آینده

نقش آینده‌نگری در بهبود اجتماع



حسن محرابی
پژوهش‌گر

یکی از مهم‌ترین عوامل زندگی بشر در زمینه ادامه حیات، امید به آینده است. در حقیقت چگونه فکر کردن به آینده، زندگی را معنا دارتر می‌کند. تحقیقات نشان می‌دهد که فکر کردن به آینده - فرآیندی که به‌عنوان آینده‌نگری شناخته می‌شود - می‌تواند به ما کمک کند تا زندگی بهتری داشته باشیم.

البته برخی معتقدند، فکر کردن به آینده می‌تواند باعث اضطراب شود اما تحقیقات فرآیندهای نشان می‌دهد، می‌تواند زندگی ما را معنا دارتر کند. نکته مهم دیگر این است که فقط انسان‌ها نیستند که توانایی در نظر گرفتن آینده را دارند، در واقع فرآیندی که دانشمندان آن را «پیش‌بینی» می‌نامند تنها برای انسان تعریف نشده است. مثلاً اگر کسی سگ نکه می‌دارد و او صاحبش را می‌بیند که یک افسار در دست دارد، هیجان‌زده می‌شود، زیرا پیش‌بینی می‌کند که به پیاده‌روی خواهند رفت. حتی گربه یک خانواده هم ممکن است با صدای باز شدن قوطی غذایش، هیجان مشابهی از خود نشان دهد. شواهدی نیز وجود دارد که نشان می‌دهد برخی از حیوانات - مانند برخی از میمون‌ها و زاغ‌ها - می‌توانند ابزارهایی را انتخاب کرده و ذخیره کنند زیرا قصد دارند در آینده از آن استفاده کنند.

اما مزایای منحصر به‌فرد آینده‌نگری برای انسان فراتر از سایر حیوانات است. آینده‌نگری حتی در رفتار روزمره و عادی ما نیز جاری است. مثلاً در محل کار یا مجتمع مسکونی محل اقامت تصمیم می‌گیریم از پله استفاده کنیم یا از آسانسور؟ در ابعاد وسیع‌تر در مورد تعطیلات پیش‌رو آینده‌نگری و برنامه‌ریزی می‌کنیم.

اما آینده‌نگری فراتر هم می‌رود و می‌تواند آینده‌های دورتر را نشان دهد؛ ممکن است برای تحصیل فرزندانمان پس‌انداز کنیم یا برای دهه‌های بازنشستگی خود برنامه‌ریزی کنیم. در مجموع ما می‌توانیم جهت‌های متعددی را در نظر بگیریم که آینده ما را ممکن است، شکل دهد. در حقیقت این توانایی قابل توجه در شبیه‌سازی آینده‌های احتمالی ماست که آینده‌نگری را خاص می‌کند. درست همان طور که جست‌وجوی ثروت ممکن است به معنای واقعی کلمه فرد را تأمین کند، مطالعات نشان می‌دهد جست‌وجو در مورد آینده می‌تواند زندگی انسان‌ها را حداقل در موارد مختلفی غنی کند.

مهم‌ترین دستاورد آینده‌نگری آن است که به ما کمک می‌کند تا تصمیمات محتاطانه‌تری بگیریم. شاید یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین کارکردهای پیش‌بینی این باشد که به ما کمک می‌کند، تصمیم بگیریم چگونه عمل کنیم. به بیانی دیگر فکر کردن در مورد آن‌چه در آینده ممکن است رخ دهد به ما کمک می‌کند، تصمیم بگیریم که در این جا و اکنون چه مسیری را طی کنیم. نکته بعدی این است که ما را برای رسیدن به اهدافمان تشویق می‌کند. در حقیقت نگاه کردن به آینده به ما در رسیدن به اهدافمان کمک می‌کند اما به نحوه تفکر ما در مورد آینده نیز ارتباط دارد. منطقی است که داشتن انتظارات مثبت - اساساً خوش‌بینی - می‌تواند توانایی ما را برای دستیابی به اهدافمان افزایش دهد.

آینده‌نگری علاوه بر کمک به ما در تصمیم‌گیری و رسیدن به اهداف، می‌تواند سلامت روانی را به طور کلی بهبود بخشد حتی ممکن است به افرادی که با افسردگی دست و پنجه نرم می‌کنند و کسانی که از تروما بهبود می‌یابند، کمک کند. در واقع برخی از محققان، ارتباطی بین آینده‌نگری ضعیف و برخی اختلالات روانی مانند افسردگی مطرح می‌کنند. کارشناسان در این خصوص ایده تمرین شکرگزاری «سه چیز خوب» را پیشنهاد کرده‌اند. یعنی به جای نوشتن سه اتفاق خوب که امروز رخ داده است، می‌توان سه چیز خوب را نوشت که پیش‌بینی می‌شود فردا اتفاق بیفتد بنابراین روشن است که متوجه می‌شویم که چه کاری می‌توانیم، انجام دهیم تا احتمال وقوع آن چیزها در واقع بیشتر شود.

مسئله دیگر نیز این است که طرز فکر ما در مورد آینده فقط بر زندگی خودمان تأثیر نمی‌گذارد بلکه می‌تواند بر نحوه رفتار ما با دیگران تأثیر بگذارد. به‌ویژه تصور این که در آینده به کسی کمک می‌کنید ممکن است، باعث شود واقعاً این کار را انجام دهید. همین نکته آخر بیان‌گر اهمیت و کارکرد اجتماعی امید به آینده در جامعه است.

بربال اساطیر

محمدعلی علمی نویسنده مشهور بمی در گذشت

محمدعلی علمی از چهره‌های برجسته ادبیات داستانی معاصر، شاهنامه‌پژوه و طنزپرداز یک‌شنبه، ۱۶ اردیبهشت و در ۶۳ سالگی در زادگاهش بم درگذشت. علمی در سال‌های اخیر به تنهایی در بم زندگی می‌کرد.

رمان «آذرستان» علمی سال ۱۳۷۷ کتاب برگزیده سال حوزه ادبیات داستانی از سوی وزارت ارشاد وقت شد و با رمان طنز «شاهنشاه در کوچه دلگشا» جایزه ۲۰ سال‌رمان طنز ایران را کسب کرد. علمی در چندین دوره جشنواره‌های سراسری طنز در بخش داستان داور بوده و در اولین جشنواره سراسری داستان بیهقی نیز داور بود و دبیر جشنواره سراسری طنز و کاریکاتور بم در سال ۸۴ هم بود که بعد از آن تعطیل شد.

دوست بسطامی، شاگرد انجوی

محمدعلی علمی ۱۶ فروردین سال ۱۳۴۰ در بم به دنیا آمد و جایی گفته بود در دوره کودکی‌اش، باورهای باستانی برجا مانده از دوران ساسانی میان مردم زادگاهش بسیار رایج بود، مثلاً گاهی که دمدج‌های صبح می‌وزید و در کوچه‌س کوچه‌های باریک و لابه‌لای شاخه‌های درختان صداهای وهم‌انگیز ایجاد می‌شد، مردم می‌گفتند این صدای یک شاهدخت ساسانی است که شوهرش را کشته‌اند و این نوای غمناک صدای شیون اوست که بی‌شک روزی شوم در بی خواهد داشت. این باورها در علمی رسوخ کرد و بعدها به دنبال گردآوری قصه‌های بومی و اساطیری می‌رود. علمی دانش‌آموخته علوم سیاسی دانشگاه تهران بود؛ رشته‌ای که با علاقت سازگاری نداشت. او از دهه ۶۰ فعالیت روزنامه‌نگاری خود را در روزنامه اطلاعات آغاز کرد و از دهه ۷۰ نیز به طور جدی‌تر وارد حوزه ادبیات داستانی و فرهنگ مردم شد و به‌طور خودآموز، اصول داستان‌نویسی را از کتاب‌های آموزشی معهود آن دوران فرا گرفت؛ در واقع اولین آموزگارش مردم عادی کوچه و بازار، روستایی‌ها و عشایر بودند. علمی سال ۱۳۷۰ با گردآوری قسمتی از فرهنگ مردم استان کرمان در ماهنامه ادبی - فرهنگی «ادبستان» مشغول به کار شد و در عین حال چندین سال بخش آموزش داستان‌نویسی در مجله «جوانان» را بر عهده داشت. در همان دوران یک روز تلفن ادبستان زنگ می‌خورد و صدای پشت تلفن می‌گوید، سیدابوالقاسم انجوی شیرازی هستم؛ کارهایت را خواندم و بیایم که شیوه علمی کارت را یادت بدهم. به این ترتیب علمی شاگرد انجوی شیرازی (مشهور به پدر فرهنگ مردم) می‌شود و آخرین گفت‌وگویی مطبوعاتی با او مندرج در ادبستان را انجام داد. علمی که لهجه شیرین بمی داشت مدت‌ها در تهران با دوست و همشهری هنرمندش زنده‌یاد ایرج بسطامی هم‌خانه بود.

آثار علمی

اغلب رمان‌های علمی بر پایه اساطیر ایرانی نوشته شده‌اند. سبک نوشتار او ساده و بسیار خودمانی است و در جای‌جای اغلب داستان‌هایش، طنز پنهان احساس می‌شود. «امیر سباط» رمان منتشر نشده علمی است که در انتظار دریافت مجوز نشر بمس می‌برد و اجل مهلتش نداد تا انتشار آن را ببیند.

آذرستان: «آذرستان» که از مهم‌ترین آثار محمدعلی علمی به‌شمار می‌رود، سال ۱۳۷۵ منتشر شد. این کتاب به روایت ماجرای دختری می‌پردازد که به دست سواران ارباب ربه شده است. «آذرستان» در سه بخش با بیانی شیوا و قلمی ساده به‌گونه‌ای نگارش یافته که مخاطب را به ادامه خواندن ترغیب می‌کند. علمی که در این رمان حتی اصطلاحات بومی بم و کرمان را در انتهای کتاب معنا کرده تا خواننده شیرین‌تر و روان‌تر تاریخ سیاه گذشته ایران و ایرانی را ورق بزند؛ داستان قدیمی جدا کردن لیلی و مجنون‌هایی را روای شده که فقر کم‌رشان را خم کرده اما «عزت» و «غیرت» آن‌ها را چون روزهای بی‌خران، استوار نگاه داشته و عدالت‌خواهی شرط حیات‌شان بوده است. داستان آذرستان افزون بر مطرح کردن اوضاع نابسامان کرمان در اولین دوره رضاخان به فرهنگ و رسوم آن منطقه می‌پردازد. با توجه به طبقه‌بندی‌های گوناگون در داستان‌های بلند، داستان «آذرستان» را دقیقاً نمی‌توان در گروه خاصی جای داد. در این زمینه نویسنده با استفاده از تمثیل و خلق صحنه‌های نمادین و اسطوره‌های همچنین به‌کارگیری عناصر ماوراء الطبیعی چون حضور عینی روح و حضور در دنیای خاکی، اثر خود را از داستان‌ها و رمان‌های نو که بیشتر سعی در شناخت و مطرح کردن روح و روان شخصیت‌ها و پردازش به حقیقت

محض دارند، دور کرده است. در حقیقت داستان «آذرستان» آمیزه‌ای از تاریخ، اسطوره و عناصر ماوراء الطبیعی است. با این وجود با مطرح شدن شخصیت‌هایی چون رضاخان، کلنل سپیان و اشاره به حوادث قیام میرزا کوچک‌خان و تیراندازی به سوی ناصرالدین‌شاه، داستان به سوی تاریخ بیشتر گرایش می‌یابد. در چنین داستان‌هایی برگزیدن شخصیت‌های غیرتاریخی بلا مانع است. به همین دلیل افرادی چون سرپرستی جوز (به احتمال قوی این اسم از تالیف نام سرپرستی سلیسکس، رئیس پلیس جنوب و سره‌ارفرود جونس، نماینده دولت بریتانیا در ایران در دوران فتحعلی‌شاه ساخته شده است)، صمصام، ضرغام و دیگران، فی الواقع افراد مشابه خود هستند. زاویه دید داستان دانای کل از نوع سوم شخص است. نویسنده در این شیوه به راحتی در همه جا حضور دارد و می‌تواند طرح داستان خود را به راحتی‌ترین شکل ممکن پی‌ریزی کند.

داستان‌های غریب، مردمان عادی: نشر افکار این کتاب محمدعلی علمی را ذیل مجموعه «قصه ایران» منتشر کرده است. این کتاب مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه مستقل و در عین حال به هم مرتبط است که درونمایه‌ای از فرهنگ و آداب و رسوم مناطق کویری ایران به‌خصوص بم کرمان را در برمی‌گیرد. علمی در موزه کتاب، آن را به بازمانگان زلزله بم در سال ۱۳۸۲ تقدیم کرده است. علمی ۱۱ داستان کوتاه را در مجموعه «داستان‌های غریب، مردمان عادی» گنجانده است. داستان اول «اسطوره آدم‌فضایی‌ها» نام دارد که راوی آن، ماجرا را با صحبت از یک بکر مهم آغاز می‌کند. خبری که ظاهراً در شانزدهم فروردین در روزنامه‌های مهمی چون اطلاعات، کیهان و ... هم چاپ شده. تیتربخ: «وحشت در شهر بم - به گزارش خبرنگار ما...» اما داستان از چه قرار است؟ راوی در ادامه نقل می‌کند که در روزنامه‌های معتبر سراسری آن‌وقت‌ها آمده بود: «بم، محل جدال خدایان فضایی... محله دشتو در شهر بم، ۱۳ شبانه‌روز است که در تصرف موجودات فضایی است...» و امثال این جور خبرها باعث شد که خبرنگاران اطلاعات هتنگی، مجله جوانان، زن روز و اطلاعات بانوان برای کندوکاو بیشتر به بم رفتند اما این‌که واقعاً چه اتفاقی افتاده و این اخبار تا چه حد صحت داشته‌اند، موضوعی است که در ادامه داستان به آن پرداخته شده. باقی داستان‌ها نیز «اسطوره استاد طهماسب دلاک»، «اسطوره زیرزمین»، «اسطوره قمر، آمدل و هوشو»، «اسطوره قمر و دژو»، «اسطوره ایرج» و ... نام دارند که هر یک به روایت ماجراجویی جالب و هیجان‌انگیز پرداخته‌اند.

ظلمات: این کتاب داستان واقعی از اهالی بم است که سرگام ۵ دی ۱۳۸۲، خون‌بارترین زلزله جهان را تجربه کرده‌اند. ماجرای اهالی بم از جمله «مانی» و «طهماست» و «زهره» و افراد دیگر. «طهماست» فرماندار و جوانی کوشاست و «مانی» خان‌زاده‌ای شورش، زندانی و تبعیدی در رژیم گذشته و «زهره» که به ارگ بم آمده است. در آن‌جا شایعاتی درباره مرگ «مانی» به وجود می‌آید و نیز برای هر سه نفر اتفاقاتی می‌افتد که حوادث تلخ و شیرین داستان را بوجود می‌آورد. محمدعلی علمی ضمن توضیح درباره برخی مسائل مردم بم و افراد ماجرا، واژه‌ها و اصطلاحات مردم بم را نیز در پایان کتاب گنجانده است. «ظلمات» به گفته نویسنده، ادامه‌ای بر داستان «آذرستان» به‌شمار می‌رود. روایت روان و گیرای علمی باعث شده، رمان «ظلمات» را بتوان در دسته رمان‌های خوش‌خوان و روان دسته‌بندی کرد که همراه با تعلیقی که در سراسر متن به‌صورت یک تهیید گنجانده شده از نقطه شروع تا پایان مخاطب را با خود همراه می‌کند. داستان این رمان در حال‌وهوای کویر و استان کرمان و شهر بم اتفاق می‌افتد و شیوه نگارش داستان به‌گونه‌ای است که گاه آن‌قدر به اسطوره نزدیک می‌شود که خواننده فراموش می‌کند، داستانی معاصر را دنبال می‌کند. داستان در اصل به روایت زندگی آدم‌هایی می‌پردازد که مانند محیطی که در آن زندگی می‌کنند، خشن و پیچیده هستند. «ظلمات» را هم نشر افکار منتشر کرده است.

سوگ مغان: علمی در «سوگ مغان» که انتشارات آموت آن را منتشر کرده، خواننده را به سفری پرماجرا می‌برد که مبدأ آن بسم کرمان است اما مقصدش جایی در عمیق‌ترین لایه‌های تاریخ مدفون شده. این رمان را باید نوعی سفرنامه تاریخی دانست که علل رنج‌های دیرینه انسان‌ها را دنبال می‌کند.



شخصیت اصلی داستان به دنبال التیام رنج‌های روحی‌اش به زادگاهش سفر کرده سپس سفری خیالی را آغاز می‌کند. در این بین، او تأثیر شخصیت‌های سمگم تاریخ را در اوضاع فعلی‌مان به بحث می‌نشیند. ترکیبی از اسطوره، خیال، تاریخ و کمی هم فولکلور، خمیرمایه شگفت‌انگیز داستان «سوگ مغان» را می‌سازد. علمی که سال‌ها در قلمرو اسطوره‌ها به کشف ناشناخته‌ها می‌پرداخته، این بار در «سوگ مغان» شما را نیز با خود همراه می‌کند تا چرایی اندوه امروزی ایرانیان را از دلان‌های تاریخ شنیدید روانی شده است، به توصیه روانکاو به می‌آید دچار ناراحتی شدید روانی شده است، به توصیه روانکاو به زادگاهش «بم» می‌رود تا شاید رویارویی با گذشته، ناگفته‌های زیادی را برایش آشکار کند اما تجربه‌ای که قرار است او از بم داشته باشد با تمام سال‌های کودکی‌اش بسیار متفاوت خواهد بود. هژمان با سفر، تعدادی از نشانه‌های رمزی ترسناک شروع می‌شود. درویشی بیابانگرد و مارگیر که در کوزه قدیمی خود دست بریده‌ای را حمل می‌کند و ... راوی داستان در سفر خود به مکانی ماقبل تاریخ می‌رسد و در آن‌جا با موجودی اهریمنی آشنا می‌شود. در «بم» راوی سوگ مغان با دوستان خود از ستم‌های مکرر کسانی مثل اسکندر و آغا محمدخان و اربابان محلی صحبت می‌کند و هر بار در فاجعه‌های بزرگ، راوی، مغان را می‌بیند که با آدابی خاص و اندوخی فراوان سوگوار هستند.

قصه اساطیر: حکایت، داستان، قصه و افسانه همه تعبیر و اصطلاحاتی هستند که در ادبیات کهن سابقه و کارکرد داشته‌اند و همواره ارتباط گسترده و ژرفی میان افسانه‌ها و اساطیر برپا و جاری بوده است. موضوع اصلی کتاب «قصه اساطیر» علمی تطبیق، بررسی و تحلیل افسانه‌های ایرانی با مبانی اساطیری است. و از «هزار افسان» دوران هخامنشیان و اشکانیان که منبع اصلی «هزار و یک شب» است تا افسانه‌های رایج در فرهنگ مردم را در برمی‌گیرد؛ از هزار و یک شبی که به عقیده بورخس، بزرگ‌ترین داستان‌ها در تمام زمان‌هاست و مظهر درآمیختگی رمز و نماد با عاطفه و تفکر و تمیل انسان است تا قصه‌های عامیانه‌ای که به زبان ساده و رایج روزگار از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته و سنت شفاهی قصه‌گویی (تقالی) را پدید آورده‌اند. علمی برای این بررسی تطبیقی به سندهای معتبر و دایره‌المعارف‌هایی که اسطوره‌های مصر، بین‌النهرین، یونان و هند را توضیح می‌دهند، مراجعه کرده است. «قصه اساطیر» را نشر آموت در ۸۸۰ صفحه منتشر کرده است.

شاهنشاه در کوچه دلگشا: این کتاب محمدعلی علمی داستان طنزی درباره روابط رضاشاه است. علمی در این کتاب درباره وقایع تاریخ معاصر ایران مانند کودتای ۲۸ مرداد ۲۲ و عملیات آژاکس می‌نویسد و پای شخصیت‌های سیاسی بسیاری را به فضای داستان باز می‌کند. به شاه خبر می‌دهند که انگلستان قصد کودتا دارد و می‌خواهد سلسله جدیدی بیاورد. رضاشاه به سبک شاهعباس صفوی با لباس‌های مبدل به کرمان کوچ می‌کند، چون آنجا یکی از مراکز قدیمی نفوذ بریتانیا و مقر پلیس جنوب است. به این ترتیب، یک دیکتاتور با اقبال پایین‌دست جامعه هم‌نشین می‌شود. داستان از زبان دانای کل روایت می‌شود و فضاسازی خوب و ماهرانه از ویژگی‌های بارز آن است. این رمان، آمیخته‌ای از طنز و ترس و تعجب است و به دلیل داشتن این حالت گروتسک (عجیب و غریب) به فضای داستان‌های کافکا پهلوی می‌زند. انتشارات سوره مهر «شاهنشاه در کوچه دلگشا» وقایع‌نگاری (و ایضاً سیاه‌بازی) را منتشر کرده است.

آثار طنز: علمی در زمینه پژوهش‌های مربوط به طنز بنا به توصیه عمران صلاحی آسار پُرشماری را از جمله «طنز در آمریکا» (جلد اول)، «طنز در مثنوی مولانا جلال‌الدین»، «انواع طنز در گلستان سعدی»، «طنز و شیوه‌های داستانی در بوستان»، «طنز در دوره پهلوی» با نقد و بررسی آثار طنز نویسندگان آن زمان، طنز ایران از مشروطه به بعد (جلد اول) و «بررسی انواع طنز در خارسستان» اثر حکیم قاسمی کرمانی را منتشر کرد. رمان‌های طنز او هم شامل «شاهنشاه در کوچ» دلگشا، «امن نوکر صدام»، «وقایع‌نگاری بن لادن» و «جناب آقای دیو» است. علمی هم‌چنین در زمینه ادبیات کودک و نوجوان، کتاب «گذر از کوه کود» را منتشر کرده و در تحلیل قصه‌های ایرانی نیز می‌توان به کتاب «اساطیر افسون‌ش» او اشاره کرد.



گزارش تئاتر

استعفا یا پایان ماموریت

کاظم نظری از اداره کل هنرهای نمایشی رفت

کاظم نظری، مدیرکل هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دوشنبه ۱۷ اردیبهشت از سمت خود استعفا کرد. اسفند ۱۴۰۰ قادر آشنا، مدیرکل هنرهای نمایشی وقت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی جای خود را به کاظم نظری داد و مدیریت دولتی تئاتر ایران دوره جدیدی را آغاز کرد.

محمود سالاری، معاون هنری وزارت ارشاد، نظری را به وزیر معرفی و پیشنهاد داده بود تا به عنوان مدیر اداره هنرهای نمایشی انتخاب شود. وزیر هم در حکمی که ۲۱ اسفند ماه آن سال امضا کرد، این مسئولیت را به نظری محول کرد.

طی سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ تئاتر ایران به لحاظ اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شرایط متفاوتی را تجربه کرد و فرازوفرودهای مختلفی را پشت سر گذاشت. حالا نظری از اتمام دوره ماموریت خود در اداره کل هنرهای نمایشی می‌گوید. درحالی که این مسئولیت برای دوره خاصی تعیین نشده بود و مدیریتش نه تنها به پایان نرسیده بود بلکه استعفاش باعث اتمام مدیریتش شد.

اما او یکی از مدیران زیرمجموعه ارشاد بود که انتقادات زیادی به نحوه مدیریت او می‌شد، به طوری که از پیش از برگزاری جشنواره سال گذشته، خبر تغییر او در میان اهالی تئاتر پیچیده بود و همه پس از جشنواره تئاتر فجر منتظر این اتفاق بودند.

اهالی تئاتر از نظری به عنوان مدیری محافظه‌کار نام می‌بردند که بیش از اینکه به دنبال باز کردن گره‌ها و رفع مشکلات اهالی تئاتر باشد به دنبال تعامل با بخش‌های مختلف و گذراندن بدون دردسر دوران مدیریت خود بود. او از دانشگاه سوره به اداره کل هنرهای نمایشی آمده و در طول دوران مدیریت خود هم همچنان در این دانشگاه مشغول به تدریس بود.

دوران مدیریتش هم همزمان با ناآرامی‌های سیاسی شد و تعدادی از هنرمندان تئاتر در این دوران با محدودیت‌های قضایی روبرو شدند و عده‌ای هم ترجیح دادند که نمایشی را روی صحنه نزنند. با همه اینها نظری تلاش چندانی برای رفع مشکلات این عده نکرد. تنها آنبه‌ای که از او می‌خواستند مشکلاتشان را رفع کند تا اندازه‌ای با همراهی نظری مواجه می‌شدند. اما او از آن دسته مدیران نبود که تلاش زیادی برای تغییر شرایط و بازگشت هنرمندان صاحب‌نام کند. نظری از دسته مدیران عاقبت‌طلبی بود که تلاش می‌کرد، دوره مدیریت خود را با کمترین درگیری و مصائب پشت سر بگذارد و تقریباً با همین مشی و شیوه به کار خود ادامه داد تا اینکه زمان رفتنش فرا رسید. او از جمله مدیران اداره کل هنرهای نمایشی بود که طول دوره مدیریتش کمی بیشتر از دو سال بود و این مدت برای مدیری که در رأس هنرهای نمایشی کشور خدمت می‌کند، زمان زیادی نیست. نظری مشهور به مدیر سفرهای استانی بود که بیشترین سفر را به استان‌های مختلف داشت بدون اینکه رهاورد زیادی از این سفرها حاصل استان‌ها و شهرهای مختلف شود.

مدیرانی هم که برای زیرمجموعه‌اش انتخاب کرد از دوستان قدیمی‌اش بودند که در گذشته با او همکاری داشتند و عملکرد آنها هم با انتقادات بسیاری روبرو است و مشکلاتی را در زیرمجموعه‌های اداره کل هنرهای نمایشی به وجود آورد. برخی معتقدند، یکی از دلایل تغییر زود به هنگام نظری، مدیرانی است که او برای زیرمجموعه‌های خود انتخاب کرد و عملکرد آنها باعث شد، نظری در تیررس انتقادات بیشتری قرار گیرد. این مدیر اداره کل هنرهای نمایشی در دوره مدیریت خود برنامه‌های مختلفی را از جمله شکل‌گیری سازمان تئاتر و افزایش بودجه تئاتر پیگیری کرد.

با وجود اینکه تنها یک سال به پایان کار دولت سیزدهم باقی است، تئاتر ایران دستخوش تغییراتی در حوزه مدیریت دولتی شد. پیش از این شایعاتی درباره رفتن محمد خزایی از سازمان سینمایی هم شنیده می‌شد که چندی پیش همه این شایعات تکذیب شد حالا اداره کل هنرهای نمایشی اولین مرکز فرهنگی و هنری مرتبط با امور نمایشی است که دچار تغییر و تحول در عرصه مدیریتش شده است. نظری درحالی‌اين اداره را ترک کرد که هنوز تکلیف انتخاب دبیران جشنواره‌های مختلف تئاتری مشخص نشده است.

عده‌ای از حمید نیلی، مدیرعامل تماشاخانه ایرانشهر به عنوان جانشین نظری نام می‌برند و نام او از همان ابتدای شکل‌گیری تغییر و تحولات در اداره کل هنرهای نمایشی بر سر زبان‌ها بود. عملکرد نیلی در تماشاخانه ایرانشهر قابل قبول بوده و از او به عنوان یکی از گزینه‌های جدی مدیریت اداره کل هنرهای نمایشی یاد می‌شود.



درگذشت کاپیتان تایتانیک

برنارد هیل، بازیگری که برای بازی در نقش شاه تودن در سه‌گانه «اریاب حلقه‌ها» و کاپیتان ادوارد اسمیت در «تایتانیک» شهرت داشت، درگذشت. او ۷۹ ساله بود. هیل نخستین بار سال ۱۹۸۲ با نام پوسر هیوز در مینی‌سریال «پسرانی از مواد سیاه» آلف لیویدیل بازی کرد و با آن به شهرت رسید. همان سال، او نقش گروهان پاتنم را در فیلم «گاندی» به کارگردانی ریچارد آتبرو بازی کرد.



افتتاحیه امیدوارکننده گارفیلد

انیمیشن «فیلم گارفیلد» محصول سونی در اولین آخر هفته اکرانش در بازار جهانی، فروشی ۲۲ میلیون دلاری را ثبت کرد. این درحالی است که فیلم تنها در ۱۸ بازار پخش خود را شروع کرده که به معنی ۳۵ درصد از بازار بین‌المللی آن است و از همه اینها باید نتیجه گرفت که آغاز نمایش آن شروع امیدوارکننده‌ای برای یک فیلم خانوادگی را نشان می‌دهد.



همکاری دوباره دیمون و لیمان

داگ لیمان، کارگردان مت دیمون و کیسی افلک شد که در یک کمدی دزدی برای ایل بازی کردند. مت دیمون که بیش از ۲۰ سال پیش در «هویت بورن» به کارگردانی داگ لیمان بازی کرده است، لیمان را برای فیلم جدیدش «تحریک‌کنندگان» که یک کمدی اکشن درباره یک سرقت اشتباه است، استخدام کرد. لیمن برای کارگردانی دوباره دیمون در فیلمی پس از «هویت بورن» هیجان بسیاری دارد.

زنان علیه مردان

مستند با قید محرمانگی درباره اتفاقی واقعی در یک روستا ساخته شده است

مرداد ماه سال گذشته بود که فرماندار همدان از نامه عجیب زنان یک روستا علیه مردان خبر داد. نامه‌ای که قید محرمانه داشت و زنان روستا از بیم اینکه مردان از محتویات آن باخبر شوند، آن را به طور محرمانه امضا کردند و برای یک مقام دولتی فرستادند تا به مشکلات آنها رسیدگی شود.

ماجرای این قرار بود که تمامی بانوان یک روستا توماری علیه شوهرانشان امضا و برای فرماندار ارسال کردند و در آن نامه از شوهران، فرزندان و دامادهاشان به دلیل درگیری آنها به اعتیاد شکایت داشتند. در واقع زنان که دست‌شان از همه جا کوتاه شده و از اعتیاد مردان روستا به تنگ آمده بودند، تصمیم گرفتند، شکایت خود را به مدیران دولتی ببرند تا شاید آنها بتوانند، راه‌حلی برای مشکل روستای آنها پیدا کنند. اما نکته مهم این بود که زنان روستا مخفیانه و دور از اطلاع مردان، نامه‌ای شکایت‌آمیز به فرمانداری و استانداری همدان می‌نویسند و می‌خواهند که به وضعیت بغرنجی که مردان روستا ایجاد کرده‌اند، رسیدگی کنند. همین نامه موجب می‌شود که فرمانداری برای حل مشکل روستا اقدام کند. این یعنی که جمع زیادی از زنان روستا با هم هم‌پیمان شده و نامه‌ای شکایت‌آمیز نوشتند.

این نامه که امضای زنان روستا را به همراه داشت، باعث شده که مدیران دولتی تلاش کنند این مشکل روستا را حل کرده و در این راستا، روز تاسوعا همان سال فرماندار به روستا سفر کرد و متوجه شد که یک فرد خیر از چند ماه پیش اقداماتی را در راستای پاک‌سازی این روستا از معضل اعتیاد آغاز کرده است.

زنان روستا همان‌طور که برای نوشتن نامه محرمانه اقدام کرده بودند، زمینه‌ساز ورود آن خیر به معضل اصلی روستای خود هم شده بودند و این خیر توانسته بود، اقداماتی هم تا آن زمان انجام دهد. او مکانی را در روستا مهیا کرده و افراد معتاد را در آنجا نگهداری می‌کرد، برای افراد مبتلا به بیماری اعتیاد در این مکان، خدمات پزشکی، سب‌زدایی و مسائل مربوط به ترک اعتیاد انجام می‌شد. این خدمات تحت عنوان ماده ۱۵ برای اهالی روستا صورت می‌گرفت. با ورود فرماندار به این روستا از سوی فرمانداری هم قول مساعد برای همکاری و رفع این مشکل به این فرد خیر داده شد. طبقه فوقانی این مرکز نیز برای ایجاد اشتغال، خوداشتغالی و مشاغل خانگی با کمک دستگاه‌های مربوطه آغاز به کار کرد. هر فرد معتاد که در این مکان برای درمان نگهداری می‌شد پس از طی مراحل درمان تحت آموزش‌های حرفه‌وفن قرار می‌گرفت تا بعد از خروج از مرکز به کار مشغول شود. راه‌اندازی این مرکز تا حدودی باعث ابراز رضایت بانوان روستا شد.

حالا فیلم مستندی براساس کاری که زنان این روستا انجام دادند، ساخته شده است. اتفاقی که در این روستا رخ داد، موضوع بکری برای ساخته شدن فیلم مستندی یا داستانی است و مستندسازان که سرشان برای ساخت فیلمی درباره چنین موضوعات تازه‌ای درد می‌کند با خواندن این خبر و اظهارات فرماندار همدان تصمیم

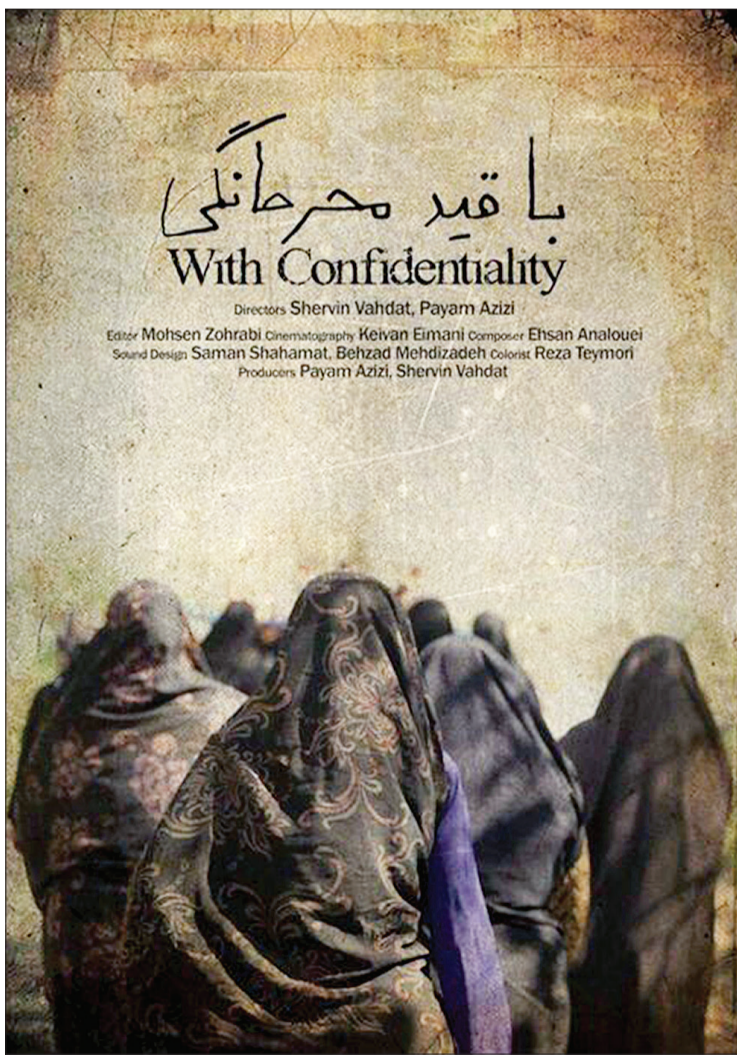
گرفتند به این روستا سفر کرده و درباره این اتفاق مستندسازی کنند. فیلم مستند کوتاه «با قید محرمانگی» به کارگردانی شروین وحدت و پیام عزیزی براساس این رویداد ساخته شده که این روزها در بخش اصلی و بین‌الملل هفتادمین جشنواره فیلم کوتاه اوپرهاوزن در کشور آلمان به نمایش درآمده است. این فیلم روایت زنان از چگونگی شکایت آنها و همکاری‌شان با هم برای مقابله با این معضل است و به ویژه شرایطی که موجب شد، نامه مخفیانه به دست فرماندار برسد را نمایش می‌دهد، چراکه اگر مردها مطلع می‌شدند، طبیعتاً جلو این شکایت را می‌گرفتند.

این دو مستندساز پس از رسانه‌ای شدن این خبر، خود را به این روستا رسانده و با پرس‌وجو از زنان روستا به حقیقت این موضوع دست پیدا کردند. زنان روستا هم که در آن زمان توانسته بودند، کاری برای روستای خود انجام دهند از اینکه دو مستندساز به سراغ آنها آمدند تا از اتفاقی که رخ داده، فیلمی بسازند، هیجان‌زده شدند. آنها ابتدا کاری را به طور محرمانه آغاز کرده بودند و آنقدر سایه اعتیاد بر سر فرزندان، همسران و دامادها و به طور کلی خانواده‌شان سنگین شده بود که راهی جز این به فکرشان نمی‌رسید. آنها در یک اقدام خودجوش کاری کردند که بسیاری از زنان شهرمی به هم فکرشان انجام آن خطور نمی‌کند و همان نامه محرمانه که با هوشمندی و ذکاوت نوشته و ارسال شده بود، زمینه‌ساز رفع بزرگ‌ترین مشکل روستای‌شان شد. آنها با همین کار

نسبت به مواد سنتی دارد». کاری که این زنان در روستای خود انجام دادند، باعث شد که توجه مسئولان به این موضوع جلب شود. به طوری که فرماندار همدان می‌گوید: «ساخت این مرکز باید برای دیگر روستاها الگو قرار گرفته و به تمامی مناطقی که دچار این مشکل هستند، تسری پیدا کند».

وحدت یکی از دو کارگردان این مستند درباره فرمی که برای پرداخت این روایت انتخاب کرده، می‌گوید: «ما فیلم را برای جشنواره بخصوصی آماده نکردیم که براساس اساسنامه آنها فرم انتخاب کنیم. این فرم چیزی بود که پیش از فیلمبرداری بین من و آقای عزیزی با ساعت‌ها بحث شکل گرفت. به فرم‌های مختلفی فکر کردیم که بتواند روایت درستی از این جریان ارائه دهد. در نهایت از بین چندین فرم، درست در روز فیلمبرداری برای ما محرز شد که باید از این فرم که الان در فیلم دیده می‌شود، استفاده کنیم».

این فیلم قبل از آنکه از سوی جشنواره اوپرهاوزن دعوت شود از جشنواره کراکوف دعوت‌نامه گرفته بود و این دو کارگردان، اوپرهاوزن را انتخاب کردند چراکه متوجه شدند، فیلم‌های ایرانی کمتر در این جشنواره بوده‌اند و این نکته که بخش مستند و داستانی مجزا ندارد و فیلم مستند در رقابت با فیلم‌های داستانی که معمولاً ارجحیت دارند مورد اقبال قرار گرفته است برای آنها مساله مهمی بود. فستیوال اوپرهاوزن یکی از قدیمی‌ترین و معتبرترین جشنواره‌های فیلم کوتاه در دنیا است که هر ساله از یکم تا ششم می (۱۲ تا ۱۷ اردیبهشت) برگزار می‌شود و برنده جایزه بزرگ این جشنواره به رقابت‌های آکادمی اسکار معرفی خواهد شد. «با قید محرمانگی» تنها مستند ایرانی حاضر در جشنواره امسال است. عزیزی درباره اینکه فیلم را برای مخاطب خارجی ساخته‌اید یا داخلی، توضیح می‌دهد: «ما قبل از اینکه به جشنواره‌ها فکر کنیم به فرم فکر کرده بودیم در همان زمان هم به مخاطب‌مان فکر می‌کردیم. زبان جهان شمول در فیلم‌هایمان اهمیت دارد و این هم مخاطب داخلی را در برمی‌گیرد و هم مخاطب خارجی را. در اکران‌های خصوصی متوجه شدیم که مخاطب داخلی، ارتباط تنگاتنگی با فیلم ما دارد چون دغدغه فیلم را با تمام وجود درک کردند».



با قید محرمانگی
With Confidentiality

Directors Shervin Vahdat, Payam Azizi
Editor Mohsen Zohrabi Cinematography Keivan Emami Composer Ehsan Analouei
Sound Design Saman Shahamat, Behzad Mehdizadeh Colorist Reza Teymori
Producers Payam Azizi, Shervin Vahdat



دیدگاه: تحلیل اقتصادی

قدرت پول

چرا پایه پولی ۲۸ درصد رشد کرد؟

محمد سلمان

تحلیلگر اقتصاد

با اعلام مقدار رشد پایه پولی، پول و شش‌به‌پول از سوی بانک مرکزی، کارنامه پولی اقتصاد ایران در سال ۱۴۰۲ تکمیل شد، هر چند باید منتظر انتشار جزئیات در گزارش گزیده آمارهای پولی و بانکی ماند. مقدار پایه پولی یا پول منتشره از سوی بانک مرکزی که با افزایش چند برابری در نظام بانکی به نقدینگی تبدیل می‌شود، در پایان سال گذشته به ۱۱۰۷/۷ همت (هزار میلیارد تومان) رسیده که به معنای رشد ۲۸/۸ درصدی نسبت به این رقم در پایان اسفند ۱۴۰۱ است.

کاهش رشد پایه پولی در کنار کاهش رشد نقدینگی می‌تواند به کاهش تورم منجر شود. پایدار شدن کاهش رشد این متغیرها و اثربخشی آن‌ها که در بلندمدت عامل اصلی ایجاد تورم هستند منوط به کاهش انتظارات تورمی و اصلاح ناترازی‌های نظام بانکی و بودجه دولت است. سایت بانک مرکزی اعلام کرده، رشد پول از ۶۵/۲ درصد در پایان سال ۱۴۰۲ به ۱۷/۵ درصد در پایان اسفند ماه ۱۴۰۲ رسیده است. با این حال نسبت پول به نقدینگی همچنان بالای ۲۴ درصد است که با مقدار همین نسبت در سال ۱۴۰۱ (حدود ۲۰ درصد) همچنان تفاوت معناداری دارد.

پایه پولی که به آن «پول پر قدرت» نیز گفته می‌شود در واقع همان پول‌های -سکه، اسکناس یا اعتبار- منتشر شده از سوی بانک مرکزی هستند. شاید این پرسش برایتان پیش نیاید که چرا به این پول‌ها، پول پر قدرت می‌گویند؟ پول پر قدرت، عبارت است از پولی که مستقیماً توسط بانک مرکزی به وجود می‌آید و شامل موارد ترازنامه بانک مرکزی می‌شود. به بیانی ساده، پول پر قدرت برابر است با جمع اسکناس و مسکوک-مسکوک یعنی پول فلزی یا همان سکه-به علاوه سپرده‌های بانکی نزد بانک مرکزی. در واقع پایه پولی، منبعی است که توسط بانک مرکزی منتشر شده و در چرخه اقتصاد در اختیار بانک‌های تجاری قرار می‌گیرد؛ به گونه‌ای که بانک‌ها می‌توانند با استفاده از این منابع و از طریق خلق پول بانکی به گسترش حجم پول بپردازند.

قدرت پایه پولی در چیست؟

حالا می‌خواهیم این مساله را بررسی کنیم که دلیل نام‌گذاری پایه پولی به پول پر قدرت چیست. می‌دانیم که انتشار پول وظیفه بانک مرکزی است. خیلی ساده است؛ پای بانک مرکزی که وسط باشد، می‌شود فهمید که این پول پر قدرت است. این پول موارد موجود در ترازنامه بانک مرکزی را شامل می‌شود. پول پر قدرت یا پایه پولی به زبان ساده مجموع اسکناس، مسکوکات و سپرده‌هایی است که نزد بانک مرکزی نگهداری می‌شود. بانک مرکزی این منابع را منتشر می‌کند تا آن‌ها را در اختیار بانک‌های تجاری قرار بدهد. بانک‌ها هم از این منابع استفاده می‌کنند و پول بانکی خلق می‌کنند. این امر در نتیجه به گسترش حجم پول ختم می‌شود. پایه پولی را می‌توانیم هم از جهت منابع و هم از جهت مصارف بررسی کنیم. فرمول محاسبه پایه پولی که در بخش‌های بعدی به آن اشاره می‌کنیم، بهتر می‌تواند این مساله را نشان بدهد.

بنابراین پول پر قدرت دقیقاً پولی است که بانک مرکزی از این چهار طریق ایجاد می‌کند:

- ۱- خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی؛ شامل: موجودی ارز و خالص مطالبات از خارج
- ۲- ذخایر طلا
- ۳- خالص مطالبات بانک مرکزی از دولت؛ شامل: مطالبات از بخش دولتی، سپرده‌های بخش دولتی، حساب سرمایه بانک مرکزی، اوراق قرضه دولتی
- ۴- مطالبات بانک مرکزی از بانک‌های تجاری؛ شامل: وام‌ها و اعتبارات اعطایی به بانک‌های تجاری

تغییرات پایه پولی در اقتصاد را می‌توان تابعی از تغییرات دارایی‌های مالی بانک مرکزی به شمار آورد. بانک مرکزی در کشورها وظیفه انتشار اسکناس را به عهده دارد. این بانک از ذخایر ارزی (ذخایری از ارزهای معتبر دنیا مانند دلار و پوند)، ذخایر طلا، مطالبات از دولت و مطالبات از بانک‌ها به عنوان پشتوانه برای انتشار اسکناس استفاده می‌کند. بدهی بانک مرکزی نیز همان اسکناس و مسکوکات در دست مردم، ذخایر قانونی، اضافی و احتیاطی بانک‌های تجاری است.

توسعه

تحلیل تحولات اقتصادی

۲۰۰

هزار تومان

کاهش قیمت سکه

در معاملات نقدی روز گذشته، بازار سکه شاهد قدرت‌نمایی جناح کاهش‌ی بود. بر همین اساس، قیمت سکه امامی در سایات طلا و جواهر ایران تا محدوده ۴۰ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان پایین آمد؛ البته در واپسین ساعات معاملات نقدی این فلز گرانبهای داخلی در حوالی ۴۱ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان بسته شد که نسبت به سه روز قبل ۷۰۰ هزار تومان ارزان شده بود.

۶۹۲

هزار میلیارد تومان

چک کشیده شد

آمارهای بانک مرکزی نشان می‌دهد، میزان چک‌های استفاده شده در اسفند ماه از مرز ۶۹۲ هزار میلیارد تومان عبور کرده و رکورد خود را در سال گذشته به ثبت رسانده است. براساس آمارهای منتشره از بانک مرکزی در اسفند ۱۴۰۲ تعداد چک‌های استفاده شده در معاملات از مرز ۹ هزار و ۱۰۰ فقره و مبلغ آنها از ۶۹۲ هزار میلیارد تومان عبور کرده است. این آمار نشان می‌دهد، افراد قدرت خریدشان پایین آمده است.

۹۱

درصد

روند نزولی بورس

بورس، دوشنبه را هم نزولی پشت سر گذاشت و باز هم به مسیر نزولی خود ادامه داد. بازار سهام که روزهای متزلزلی را می‌گذراند؛ از ابتدای هفته جاری نیز سرخ‌پوش شده است. دیروز شاخص کل با کاهش ۹۱/۰ درصدی نشان داد که فاصله زیادی تا وضعیت با ثبات و مطلوب دارد. شاخص کل با ریزش بیش از ۲۰ هزار واحدی اکنون در سطح ۲ میلیون و ۲۳۹ هزار واحد قرار دارد.

ارزش اقتصادی مدرسه

مدرسه چگونه پایه‌های اقتصاد را برای یک کشور بسازد و آنها را قوی کند؟

مهتا معرفت

مترجم

برخی افراد اگر درس نخوانند به واسطه موقعیت خانوادگی خود شاید وارد کسب‌وکار آزاد شوند اما این موقعیت برای همه فراهم نیست. وقتی درس و مدرسه نباشد، یکی از مسیرهای اصلی پیشرفت افراد مسدود می‌شود. وقتی مدرسه نباشد، موفقیت افراد به وضعیت مالی خانواده آنها بستگی دارد. به دنیا آمدن در یک خانواده تاجر و کارآفرین، یعنی داشتن سرمایه و ارتباط، یعنی گام برداشتن در مسیر تجارت خانوادگی و طبیعی است که راه، موانع کمتری دارد ولی اگر عضو یک خانواده کم‌برخوردار باشید، راهی بر از سنگلاخ پیش‌رو دارید. چون نه رابطه دارید و نه سرمایه و تنها شانس شما رفتن به مدرسه برای کسب دانش و مهارت لازم برای پیشرفت فردی است. با این حال مدرسه و آموزش دو مقوله متفاوت هستند. همه آموزش می‌بینند، از دانشجویان دانشگاه آزاد تا جوانانی که برای خدمت سربازی به پادگان می‌روند. نهاد مدرسه اما تامین‌کننده یک نوع ویژه از آموزش است که برای اهداف به خصوصی ساخته شده است. این اهداف چیستند؟

برای آزادی: وجود سیستمی برای رهایی انسان‌ها از چنگال خرافات و جایگزین کردن آنها با منطق علمی. البته برای توسعه سواد حتماً نیازمند مدرسه نیستیم مثلاً در دوران انقلاب آمریکا، تعداد افراد باسواد در منطقه نیواگلند ۸۵ درصد بود یعنی بیشتر از خود انگلیس با نرخ سواد ۶۰ درصد.

برای فضیلت مدنی: به این معنا که شهروندان خوب و متعاقباً دموکراسی موفق به خودی خود به وجود نمی‌آیند بلکه باید ساخته شود و مدرسه یک راه مهم آن است، آن هم با آموزش مهارت‌هایی چون گفت‌وگو و منطق.

برای شایسته‌سالاری: مدرسه روشی برای تشخیص افراد مستعد است تا موفقیت فقط ناشی از ثروت و موقعیت خانوادگی نباشد. در چنین سیستمی، افرادی که لیاقت خود را نشان دهند باید به مراتب بالاتر صعود کنند. تفسیر امروزی ما برای این ایده اینگونه است که صندلی‌های دانشگاه‌های برتر همچون هاروارد، ییل و دوک باید به افرادی با بالاترین میزان شایستگی تعلق بگیرد.

برای ثبات اجتماعی: در قرن هجدهم در مناطقی مانند نیویورک مدارس خیریه‌ای برای فرزندان فقرا و مهاجران ایجاد شد زیرا بسیاری از نخبگان سیاسی و مذهبی معتقد بودند باید ذهن این کودکان از عقاید والدین‌شان پاک شود و فضایل اخلاقی را آموزش ببینند تا نوعی ثبات اجتماعی برقرار شود. این مساله با توجه به تغییر ساختار جامعه از کشاورزی به صنعتی، افزایش جمعیت شهرها و احتمال آشوب و تنش مورد توجه قرار گرفت.

برای تحرک اجتماعی: ایجاد فرصتی عادلانه برای همه، جهت یادگیری مهارت‌های لازم تا بتوانند از دربان موفقیت اجتماعی بالا بروند.

برای کارایی اقتصادی: سیستم آموزشی با به‌کارگیری صحیح افراد در مشاغل مناسب باید مهارت‌هایی را آموزش دهد که باعث تقویت نوآوری و رشد اقتصادی شود؛ استدلال در اینجا اینگونه است که منافع اقتصادی آموزش با در نظر گرفتن سرمایه‌گذاری لازم برای آن از پول مالیات به صرفه است و ما به مدارسی نیاز داریم تا از نظر اقتصادی قادر به رقابت با بقیه کشورها باشیم.

چرا مدرسه خوب است؟

حال وقتی همه روزه می‌بینیم که کودکان در همه جا باید طبق قانون به مدرسه بروند و تقریباً تمام مدارس ساختاری مشابه هم دارند همچنین اگر هزینه زیادی که جامعه ما برای آنها تقبل می‌کند را در نظر بگیریم، تمایل پیدا می‌کنیم که تصور کنیم حتماً مدرسه چیز خوبی

است و اگر فرزندان خود را به زور به مدرسه نفرستیم یا اگر مدارس متفاوت از اینکه هستند باشند، کودکان در آینده به بزرگسالانی لایق تبدیل نخواهند شد. تصور می‌کنیم حتماً تعدادی افراد بسیار باهوش این سیستم را طراحی کرده و کارایی آن را آزموده‌اند. اما شاهد خلاف این را نشان می‌دهند و مدارس امروز، نه بر مبنای منطق و علم بلکه محصول تاریخ هستند.

صدها هزار سال پیش اجداد ما به صورت قبایل شکارچی زندگی می‌کردند. کودکان در این فرهنگ با بازی و کاوش همه آنچه برای تبدیل شدن به یک بزرگسال نیاز داشتند را یاد می‌گرفتند و والدین به آنها آزادی تقریباً نامحدودی در این زمینه می‌دادند. سبک زندگی این قبایل مهارت محور و دانش محور بود، یعنی انسان‌ها نیازمند اطلاعات گسترده در مورد گیاهان و حیوانات محل زندگی خود بودند. آنها همچنین باید مهارت‌های حیاتی ساخت و استفاده از ابزارها را نیز می‌آموختند.

ظهور کشاورزی از حدود ۱۰ هزار سال پیش به مرور همه اینها را تغییر داد. حالا انسان‌ها می‌توانستند، غذای بیشتری تولید کنند و در نتیجه تعداد فرزندان بیشتری داشته باشند. زندگی یکجانشینی همچنین مفهوم ذخیره غذا و مالکیت خصوصی را به وجود آورد. این تغییرات اما تاثیر عظیمی بر نیروی کار داشت. کشاورزی نیازمند ساعات طولانی کار کم‌مهارت ولی سنگین بود که می‌توانست توسط کودکان نیز انجام شود. با بزرگ‌تر شدن اندازه خانواده‌ها، کودکان هم حالا مجبور به کار شدند و مدل زندگی آنها از جست‌وجوی آزاد و کاوش آنچه دوست داشتند به کار سخت در مزرعه و خانه تغییر پیدا کرد. کشاورزی و مالکیت زمین زمینه‌ساز انباشت ثروت و تفاوت جایگاه‌های طبقاتی شد. کسانی که صاحب زمین نبودند به مالکین وابسته شدند و به مرور سیستم برده‌داری و سایر انواع خدمت‌گیری تاسیس شد. در قرون وسطی جوامع به شدت سلسله‌مراتبی شدند. اکنون زندگی بیشتر مردم از جمله کودکان، بیگاری بود و تنها درسی که کودکان باید می‌آموختند اطاعت، سرکوب میل خود و تکریم ارباب بود. به‌عنوان مثال، در یک سند به جا مانده از فرانسه قرن ۱۴ یا اوایل ۱۵ گفته می‌شود که شکارچیان باید پسران ۷ تا ۸ ساله را به خدمت بگیرند و آنها را آنقدر کتک بزنند تا زمانی که دستورات ارباب خود را به‌درستی انجام دهند. با انقلاب صنعتی، محل کار بسیاری از این کودکان از مزارع به کارخانجات کتیف و شلوغ با ساعات کار طولانی و درآمد ناچیز تغییر یافت. به‌طور خلاصه برای چندین هزار سال پس از انقلاب کشاورزی، آموزش کودکان بیشتر جهت سرکوب اراده‌شان برای تبدیل شدن به کارگرانی خوب بود. کودک خوب همان کودک مطیع بود که تمایل درونی خود به بازی کردن و کاوش را سرکوب کرده و دستورات اربابان بزرگانش را انجام دهد. به‌طور خلاصه، فلسفه آموزش در این دوره با آنچه اجداد شکارچی ما صدها هزار سال قبل انجام می‌دادند در تضاد کامل قرار داشت.

با توسعه صنعتی و خودکار شدن کارخانه‌ها، نیاز به کار کودکان کاهش یافت و این ایده که مدرسه جایی است برای یادگیری، گسترش یافت. اما اهداف موسسان و حامیان آن عملاً بسیار متفاوت بود. **مذهب:** ریشه بخش بزرگی از ایده آموزش همگانی در مذهب پروتستان بود. مارتین لوتر (عالم الهیات آلمانی) اعلام کرده بود رستگاری به خوانش هر شخص از کتاب مقدس بستگی دارد پس در نتیجه، همه باید خواندن بیاموزند. رهبران اصلاح دینی، آموزش عمومی را وظیفه مسیحیان برای نجات روح از عذاب ابدی می‌دانستند. تا اواخر قرن هفدهم، آلمان که پیشرو در توسعه مدارس بود در بیشتر ایالات خود قوانین مدرسه اجباری برای کودکان داشت. البته این مدارس تحت کنترل کلیساها بودند نه دولت. بعداً ماساچوست، اولین ایالت آمریکایی شد که مدرسه را اجباری کرد و هدف آن تربیت کودکان متناسب با فرقه مذهبی پیوریتن بود.

صنعت: به مرور توجه صنایع به مدارس به عنوان روشی برای تربیت

کارگران بهتر جلب شد. به نظر آنها مهم‌ترین چیزها برای آموزش؛ وقت‌شناسی، اطاعت از دستورالعمل‌ها، تحمل ساعات طولانی کار ملال‌انگیز و حداقل سواد خواندن و نوشتن بود.

سیاست: با متمرکز شدن ملت‌ها، رهبران کشورها، مدرسه را به چشم وسیله‌ای برای ایجاد سربازان وطن‌پرست دیدند. برای آنها شکوه سرزمین مادری، دستاوردهای شگفت‌انگیز پایه‌گذاران کشور و لزوم دفاع از آن، درس‌هایی حیاتی بودند که باید در مدرسه آموزش داده می‌شدند.

حکمت: به این مجموعه باید گروه دیگری را هم اضافه کنیم که به خود کودکان اهمیت می‌دادند و مدرسه را به عنوان مکانی برای حفاظت از کودکان می‌دانستند، جایی که به آنها زمینه اخلاقی و فکری لازم برای تبدیل شدن به بزرگسالانی مستقل و با کفایت را بدهد. از نظر آنها کودکان باید درس‌های اخلاقی و نظم را بیاموزند مثل لاتین و ریاضیات تا قدرت ذهنی‌شان بیشتر شود و از آنها حکیمانی بسازد. تا اینجا تمامی حامیان وجود مدرسه دیدگاهی روشن در مورد آنچه می‌خواستند، داشتند. تا دوران اخیر هیچ‌کس اعتقاد نداشت که اگر کودکان در فضایی غنی برای یادگیری به حال خود رها شوند همه آنچه برای تبدیل شدن به یک بزرگسال با کفایت لازم است را یاد خواهند گرفت. برای بیشتر آنها مدرسه مکانی برای تلقین و نشان دادن حقایق به‌خصوص مورد نظر خودشان در ذهن کودکان با فرآیند تکرار و آزمون حافظه بود.

به‌طور سنتی آموزش امتیازی برای افراد ثروتمند بود. اما اولین سیستم آموزش عمومی در پروس (آلمان کنونی) در قرن هفدهم و با طبقه‌بندی دانش‌آموزان بر مبنای گروه‌های سنی و برای آموزش خواندن، نوشتن، ریاضیات و نیز اطاعت‌پذیری، وظیفه‌شناسی به وطن، اخلاق و مذهب ایجاد شد. در سال ۱۸۴۰ این سیستم به آمریکا ورود پیدا کرد. البته برای سال‌ها هیچ استنادی و هماهنگی‌ای از نظر زمان یا حتی موضوعات مورد تدریس بین مناطق مختلف وجود نداشت. ولی در ۱۸۹۲ یک کمیته ۱۰ نفره به رهبری رئیس دانشگاه هاروارد تصمیم گرفتند که آموزش عمومی باید طی ۱۲ سال صورت بگیرد و اینکه هر سال چه موضوعاتی را پوشش دهد. این ساختار که در زمان خود احتمالاً پیشرو بود برای بیش از یکصد سال هیچ تغییر مهمی نداشته و همچنان با ماست. تکرار و حفظ کردن درس‌های ملال‌آور برای کودکان مشکل است و در تضاد با تمایل درونی آنها به بازی و کاوش جهان به صورت آزادانه قرار می‌گیرد. همان‌طور که کودکان با کار در مزارع و کارخانه‌ها به‌طور کامل سازگار نشدند، آنها همچنین نتوانستند به سرعت با مدرسه نیز سازگار شوند. البته این برای بزرگسالان جای تعجب نداشت. تا آن زمان ارزش و اهمیت تمایلات درونی کودکان به فراموشی سپرده شده بود و تقریباً همه توافق داشتند که برای یادگیری در مدرسه باید اراده و تمایلات کودک را سرکوب کرد. به این دلیل انواع تنبیهات وارد سیستم‌های آموزشی شد که بسیاری به جا مانده از دوران مزارع و کارخانه‌ها بودند.

در قرن ۱۹ و ۲۰ شرایط مدارس انسانی‌تر و دروس، غیرمذهبی‌تر شدند. با بالا رفتن دانش، بر حجم و موضوعات دروس مدرسه و نیز ساعات آن افزوده شد. به مرور مدرسه برای کودکان جایگزین کار در مزرعه و کارخانه و به عبارتی شغل جدید آنها شد. همان‌طور که بزرگسالان روزی ۸ ساعت سر کار هستند، کودکان نیز ۶ ساعت را در مدرسه سپری می‌کنند به علاوه حدود یک ساعت تکالیف خانگی و کلاس‌های خصوصی خارج از مدرسه.

در دنیای امروز، کودکان را با نمرات‌شان می‌شناسند، همان‌طور که بزرگسالان را با جایگاه شغلی‌شان. اما واضح است سیستم فعلی با استانداردهای تاریخ گذشته خود نمی‌تواند به تشویق و آموزش نوآوری لازم برای مواجهه با چالش‌های جهان مدرن بپردازد.

منبع: اکونومیست

رسانه

همکاری با رسانه‌های عراق

هیات رسانه‌های ایرانی به عراق رفت



گروه اجتماعی: هیات رسانه‌های ایرانی به سرپرستی معاون مطبوعاتی وزیر ارشاد روز جمعه، ۱۴ اردیبهشت ماه به بغداد، پایتخت این کشور سفر و با تعدادی از رؤسای خبرگزاری‌ها و روزنامه‌های عراقی دیدار کرد. طرفین در مورد همکاری در عرصه رسانه گفت‌وگو کردند. فرشاد مهدی‌پور، معاون وزیر ارشاد در خصوص این سفر گفت: رابطه ملت عراق و ایران نزدیک است و این دیدارها با نخبگان روزنامه‌نگاری و فرهنگی به تقویت این رابطه حمایت می‌کند. ما برای همکاری مشترک با رسانه‌های مختلف عراقی اینجا هستیم و به جلسات خود برای تقویت همکاری‌های مشترک ادامه خواهیم داد.

در این سفر نمایندگانی از رسانه‌های ایران نیز حضور داشتند. جادو الجادر، مدیر بخش تنظیم رسانه در سازمان رسانه و ارتباطات که میزبان رسانه‌های ایرانی بود نیز گفت: رئیس سازمان رسانه و ارتباطات با هیات ایرانی در خصوص لزوم همکاری دو کشور در زمینه تبادل تجربیات و اخبار از طریق تفاهم‌نامه‌های الزام‌آور دو کشور و تنظیم بخش رسانه راهی که منافع عراق و ایران را تامین می‌کند، گفت‌وگو کرد. هیات رسانه‌های ایرانی همچنین با سیدعمار حکیم، رهبر جریان حکمت ملی عراق دیدار کردند. در این دیدار که در دفتر رهبر جریان حکمت ملی عراق در بغداد انجام شد، حکیم بر ضرورت تبادل تجارب در بخش‌های فرهنگی، هنری و آرشویی تاکید کرد. وی با اشاره به نیازهای جوامع اسلامی به برنامه‌های فرهنگی که آسان را در برابر حجمه فرهنگی و اندیشه‌های منحرف مصون نگه دارد بر ضرورت حمایت از برنامه‌های هنری و تولید فیلم و سریال و استفاده از فناوری‌های نوین برای رساندن آن به مخاطبان تاکید کرد. رهبر جریان حکمت ملی عراق همچنین بر ضرورت توقف جنگ در غزه تاکید کرد و جامعه جهانی را در قبال پیامدهای آنچه در غزه می‌گذرد و سکوت در برابر کشتار و گرسنه نگه داشتن و نسل‌کشی مسئول دانست.

فرشاد مهدی‌پور، معاون وزارت ارشاد نیز در نشست با مدیران رسانه‌های عراقی گفت: هدف ما از برگزاری این نشست‌ها و گفت‌وگوها این است که روایت ایرانی از عراق و روایت عراقی از ایران بی‌واسطه و مستقیم شکل بگیرد. خوشحالم امروز با دکتر علی المودب گفت‌وگوی بسیار خوب و سازنده‌ای داشتیم که در این جهت گام‌های واقعی و جدی برداریم. حدود ۲۰ درصد از رسانه‌های ایران ماهیت حقوقی دارند و بقیه رسانه‌ها توسط افراد حقیقی اداره می‌شوند. حقوقی‌ها هم توسط دانشگاهیان، دولت و بخش‌های بزرگ مدیریت می‌شوند. تقریباً همه خبرگزاری‌ها و روزنامه‌های بزرگ در ایران بخش عربی دارند و ما چند روزنامه مستقل به زبان عربی داریم مانند الفوق و ...

او درباره نوع حمایت از رسانه‌ها در داخل کشور توضیح داد: حمایت از رسانه‌ها مستقیم بر اقدامات مستقیم و غیرمستقیم است. در حمایت مستقیم حمایت مالی می‌شوند همچنین این حمایت شامل نیروی انسانی هم می‌شود. همچنین رسانه‌ها حمایت حقوقی هم می‌شوند. همچنین ما دارای دادرسی مخصوص برای رسیدگی به شکایت‌های رسانه‌های هستیم. حمایت غیر از مستقیم از رسانه‌ها شامل معافیت‌های مالیاتی می‌شود. طبق قانون اساسی نظارت پیشینی در رسانه‌ها ممنوع است و تخلف تلقی می‌شود و امکان سانسور قبل از انتشار در رسانه‌ها وجود ندارد؛ این از افتخارات جمهوری اسلامی است. در حالی که دوره پهلوی نظارت قبل انتشار وجود داشت.

او بیان کرد: نظارت بر رسانه‌ها توسط یک هیات نظارت و فرآوردی و یک صنف رسانه‌ای انجام می‌شود. خطوط قرمز توسط قانون تعیین شده و این هیات مسئول تطبیق خطوط قرمز با عملکرد رسانه‌هاست. ما قانون دیگری در ایران به نام قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات داریم. در این قانون هر فرد ایرانی به‌ویژه روزنامه‌نگاران، حق دارند در همه پرونده‌ها به صورت زنده سوال کنند و اطلاعات را دریافت کنند. اگر مقام خصوصی و دولتی پاسخگو نباشند، جرم تلقی می‌شود.



قبض ۲ میلیونی

قبض برق مشترکی که در مناطق عادی در تابستان از کولر گازی استفاده می‌کند، بالای ۲ میلیون تومان پیش‌بینی می‌شود؛ این در حالی است که مشترکان تنها با استفاده از کولر آبی می‌توانند قبض برق خود را تا ۸۰ هزار تومان کاهش دهند. ۸۰ درصد مشترکان صنعت برق در اقلیم عادی، یعنی بدون نیاز به کولر گازی قرار دارند اما در طول سال‌های اخیر کولرهای گازی در خانه‌ها رواج پیدا کرده است.



وضعیت وخیم خوزستان

علی سلاجقه، رئیس سازمان حفاظت محیط زیست گفت: استان خوزستان در بحث گردوغبار وضعیت مناسبی ندارد و امیدواریم که در داخل و خارج از کشور همکاری‌های لازم صورت بگیرد تا این معضل برطرف شود. برخی از اوقات دستگاه‌ها با توجه به وضعیتی که وجود دارد، متأسفانه به خوبی همکاری نمی‌کنند. با کشورهای همسایه برای حل معضل گردوغبار در کشور به توافقاتی رسیده‌ایم که اوضاع بهبود پیدا کند.



افزایش ۱۰ درصدی

احسان مومنی، معاون عملیات پلیس راهور تهران بزرگ گفت: ۴۹ درصد از تصادفات منجر به مرگ معابر شهری پایتخت در فروردین امسال مربوط به غابرین پیاده بود که در این بخش شاهد افزایش ۱۰ درصدی در مقایسه با مدت مشابه پارسال هستیم. همچنین در این مدت حدود ۱۲ درصد از تصادفات منجر به مرگ عابران در میادین و تقاطع‌ها و در جاهایی که خط‌کشی و گذرگاه عابر پیاده داریم، رخ داده است.

حجاب، شرط تحویل دارو

رئیس سازمان غذا و دارو در اظهارنظری عجیب گفته که رعایت حجاب در سهمیه تحویل داروی داروخانه‌ها موثر است

بحران مالی شرکت‌ها

یکی دیگر از عواملی که مشکل کمبود دارو را تشدید کرده، درگیر شدن شرکت‌های تولیدکننده با بحران مالی است. برخی شرکت‌های دارویی می‌گویند، با سیاست‌ها و بدقولی‌های دولت در تامین ارز برای تهیه مواد اولیه مورد نیاز، مشکلات افزایش یافته و تولیدکنندگان به ناچار برخی داروها را از چرخه تولید حذف کرده‌اند. مجتبی سرکندی از تولیدکنندگان دارو، هشدار داد که بحران حاکم بر بازار دارویی در سال ۱۴۰۳ موجب می‌شود مردم برای تامین داروهایشان از این داروخانه به آن داروخانه سرگردان شوند؛ وضعیتی که به نظر از ماه‌ها پیش آغاز شده است.



گروه اجتماعی: رئیس سازمان غذا و دارو، وابسته به وزارت بهداشت می‌گوید: رعایت حجاب در داروخانه‌ها در ارائه سهمیه به آنها نقش دارد و اگر موثر نبود «متخلفان» به مراجع قانونی معرفی می‌شوند. حیدر محمدی روز ۱۶ اردیبهشت در مرکز ارتباطات ریاست‌جمهوری گفت: سازمان تحت امر او از نخستین مجموعه‌هایی بود که مساله حجاب را در دستور کار قرار داد و «به همین دلیل اصول رعایت پوشش در داروخانه را ابلاغ کرد». او از عدم رعایت حجاب اجباری به عنوان «ناهنجاری» یاد کرده و گفته که «موضوع رعایت هنجارها» از مواردی است که در «سهمیه داروخانه‌ها نقش دارد». به گفته حیدر محمدی: «اگر یک

داروخانه نسبت به رعایت هنجارها اقدام نکند، در وهله نخست تذکر داده می‌شود و اگر تذکر تأثیری نداشته باشد، موارد بازدارنده درخصوص داروخانه متخلف اجرا می‌شود. اگر موارد بازدارنده نیز مثرتر نباشد، متخلفان به مراجع قانونی معرفی می‌شوند». البته ساعتی بعد اعلام شد منظور از اظهارات رئیس سازمان پوشش کارکنان بوده که باز هم در اصل مساله توقیری ایجاد نمی‌کند! اساس اینکه رعایت حجاب دلیل بر اختصاص سهمیه بیشتر یا کمتر شود، غلط است! سازمان غذا و دارو یک سازمان زیرمجموعه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است که سیاست‌ها،

اقتصاد وخیم داروخانه‌ها

همچنین چندی پیش اعلام شد که درحال حاضر، اقتصاد داروخانه‌ها به شدت دچار مشکل شده و شرایط مناسبی ندارد. براساس این گزارش، رشد قارچ‌گونه داروخانه‌ها و صدور بیش از حد مجوز برای تاسیس داروخانه‌ها و مشکلات اقتصاد کلان کشور باعث شده تا داروخانه‌ها با بحران اقتصادی مواجه شوند. شهرام کلاتری‌خاندانی، رئیس انجمن داروسازان در رابطه با مهم‌ترین چالش‌های داروخانه‌داران گفت: «درحال حاضر کمبود نقدینگی به یک مساله جدی برای داروخانه‌داران تبدیل شده است، شرکت‌های دارویی و داروسازان هم با مشکل کمبود نقدینگی مواجه‌اند و در تامین نقدینگی مورد نیاز چالش دارند. در نتیجه، تمامی این صنف‌های مرتبط با یک مشکل مشترک دست‌وپنجه نرم می‌کنند».

او در ادامه با اعلام اینکه در وضعیت کنونی، زنگ هشدار برای ورشکستگی داروخانه‌ها به صدا درآمده است به آمارها در این زمینه اشاره کرد و نوشت: «بیش از ۴۰ درصد داروخانه‌های کشور در مرز ورشکستگی‌اند. به‌رغم طرح دارویار که به قیمت دارو اضافه شده باز هم تاکید می‌کنم بیشتر داروخانه‌ها در مرز ورشکستگی کار می‌کنند».

رئیس انجمن داروسازان همچنین تاکید کرد که هرچه میزان تقاضا از طرف مردم و داروخانه‌ها بالا می‌رود، مصوبه‌های شرکت‌های پخش دارو نیز بیشتر می‌شود. او در ادامه گفت که تسویه حساب روزانه، تسویه حساب به صورت نقدی، تسویه در پای بارگیری یا در بهترین حالت تسویه حساب ۱۵ روزه مصوبه‌هایی است که شرکت‌های پخش دارو در زمان بحران و کمبود یک دارو برای داروخانه‌داران در نظر می‌گیرند.

به نظر این کارشناس، اولین آسیب کمبود و بحران دارو در کشور دامن داروخانه‌داران را گرفته است و تغییر سیستم تسویه داروخانه‌داران با شرکت‌های پخش دارو یک بحران نقدینگی برای داروخانه‌ها به وجود می‌آورد که هیچ راهکاری برای آن در دسترس نیست.

در این شرایط، تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی با ارجاع گزارش کمیسیون بهداشت و درمان به قوه قضائیه درخصوص دلایل و مقصران بحران دارویی در کشور مخالفت می‌کنند. نمایندگان ۴ اردیبهشت ماه با ۶۷ رای موافق و ۱۳۷ رای مخالف و ۸ رای ممتنع با ارسال این گزارش به قوه قضائیه مخالفت کردند.

آنچه در گزارش کمیسیون بهداشت قابل توجه است، تصمیم بحران‌زای دولت است که زمینه‌ساز شرایط وخیم کنونی دارو در کشور شده است. در این گزارش با بررسی طرح دارویار که بنا بود، مانع گرانی و نایاب شدن دارو شود، آمده است: «با گذشت کمتر از دو سال از آغاز طرح به واسطه افزایش‌هایی که طی این مدت به طور مکرر در قیمت اقلام دارویی رخ داد، هم‌اکنون هزینه تهیه دارو برای بیماران بیش از ۱۱۰ درصد افزایش داشته است».

در این گزارش همچنین تایید شد که درخصوص حداقل ۱۶ درصد از مجموعه اقلام دارویی مشمول طرح دارویار، پوشش افزایش قیمت ناشی از مابه‌التفاوت ارزی انجام نشده و در نتیجه این افزایش قیمت به جیب بیماران تحمیل شده است. گزارش کمیسیون بهداشت در مورد داروهای که در ایران مورد توانایی تامین دارو از طریق تولید داخلی است که وزیر بهداشت طی دو سال گذشته بارها عنوان کرده است. در این گزارش تایید شد: «کمبود حدود ۱۵۰ قلم داروی پرمصرف جدی است و نزدیک به ۶۵ قلم در شرایط کمبود حاد قرار دارند».

اذعان به ناتوانی دولت و بانک مرکزی در تامین مابه‌التفاوت نرخ ارز ترجیحی مورد نیاز دارو، نظارت غیر موثر بانک مرکزی

برنامه‌ها و خط‌مشی‌های دارویی، غذایی، آشامیدنی، آرایشی، بهداشتی، بیولوژیک، شیر خشک، تجهیزات، اقلام و ملزومات پزشکی مصرفی و غیرمصرفی و اقلام بسته‌بندی و اسباب‌بازی را تدوین و ارائه می‌کند.

در وظایف این سازمان که در سال ۱۳۸۹ تاسیس شده هیچ اشاره‌ای به ابلاغ ضوابط «رعایت پوشش» نشده است. با این حال نهاد یاد شده براساس دستورالعملی که مرداد ۱۴۰۰ صادر و در اسفند سال ۱۴۰۱ بار دیگر آن را ابلاغ کرد، گفت که تمامی کارمندان زن داروخانه‌ها علاوه بر رعایت سایر ضوابط پوششی موظف به پوشیدن مقنعه مشکی هستند.

سازمان غذا و دارو درحالی توضیح دارو را به حجاب گره زده است که چند سالی است که کمبود و گرانی دارو گریبان مردم به ویژه بیماران خاص را گرفته است. چند سالی است که با وخیم شدن ارتباطات بین‌المللی، شرایط دارو نیز در کشور بدتر شده است. بعد از پشت سر گذاشتن کمبودهای شدید دارویی در دوران پاندمی کرونا که در این بین بسیاری از هموطنانمان جان خود را از دست دادند، در کنار کمبودهای همیشگی داروهای خاص؛ از سال‌های گذشته کشور، درگیر کمبود داروهای عمومی شده است. اگر دارو نیز تامین نشود، قیمت‌ها گران و در برخی موارد نجومی شده‌اند! در این بین طرح دارویار دولت که هدف‌اش شکست خورده است و مردم باید با رشد چندین برابری قیمت دارو دست‌وپنجه نرم کنند. این اتفاق درحالی است که بیمه‌ها همچنان از گستردگی چتر حمایتی به نفع بیماران طفره می‌روند.

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: سیدفاضل موسوی • سردبیر: اکبر منتجبی
زیرنظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عظیمیانفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌راد، امیراقتاعی
مدیرهنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آری‌نفر • حروف‌چین: مجتبی دیدگر • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

کارنامه: خاطرات هاشمی ۱۳۷۹



اصلاحات در بحران ۲۲۷

یک‌شنبه ۲۱ اسفند

قدر دانی رئیس مجلس ملی تاجیکستان

در شمیران، برف سبکی می‌بارد و هوا هم سرد شده اما در شهر کمی باران باریده است. در مجموع بارندگی امسال از سال گذشته بهتر است اما در مقایسه با معدل ۳۳ سال گذشته ۲۰ درصد کمتر است. آقای [خداکرم] جلالی، معاون وزیر جهاد کشاورزی [و مدیرعامل شرکت شیلات ایران] همراه مسئولان اتحادیه‌ها و شرکت‌های فعال در پرورش و تولید غذا و لارو و صادرات میگو آمدند. تشکر کردند به خاطر پایه‌گذاری صنعت پرورش میگو و برای رفع مشکلات وام کمک خواستند و گفتند، امسال حدود چهار هزار تن میگو از دو هزار و ۸۰۰ هکتار به دست آمده و از سال ۱۳۷۳ که اولین برداشت انبوه آغاز شده، سالانه ۱۰۰ درصد رشد داشته و معدل اشتغال‌زایی هر هکتار ۳ نفر مستقیم و غیرمستقیم است. گواتر بلوچستان را مناسب‌ترین محل می‌دانند.

با محسن، ناهار کاری صرف کردیم؛ معمولاً هفته‌ای یکی دو بار انجام می‌شود، برای رسیدگی به امور دفتر رئیس مجمع و دفتر نشر معارف انقلاب و کارهای شخصی و خانوادگی و عمومی. عصر، آقای [محمدسعید] عبداللہ آف، رئیس مجلس ملی تاجیکستان آمد. از کمک‌های من برای ایجاد صلح در تاجیکستان قدرانی کرد و خواستار ادامه برنامه‌ها در جهت همکاری دو کشور در امور توسعه و تجارت شد و از تأثیر زیاد سفر من به تاجیکستان به خصوص سفر به شهر کولاب و بازدید از سد سنگ توده و کمک به ساخت آن گفت. گفتیم، برنامه داشتیم که برای مهار آب‌های فراوان تاجیکستان، برای تولید برق سپس صدور برق از طریق کشورهای همسایه و ایران، کمک شود که متأسفانه پیگیری نشد. عقد فرزند [آقای میرا] یکی از کارکنان مجمع [تشخیص مصلحت‌نظام] را بستم. مصاحبه‌ای با صدآوسیما در مورد کیفیت نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی کشور از سوی رهبری داشتم. اعلام خبر ابلاغ سیاست‌های بخش اقتصاد و حمل و نقل و انرژی و معدن و منابع طبیعی اعلان شده و مورد توجه است.

آقای محسن رضایی، [دبیر مجمع تشخیص مصلحت‌نظام] آمد و گفت، گرچه سخنان آقای [سیدمحمد] خاتمی در مجلس آرام بوده، اما تعریض‌هایی به آرگان‌های دیگر به‌خصوص قوه قضاییه داشته‌اند. همچنین درباره انتخابات [ریاست‌جمهوری] صحبت کرد و نظر داد که در مجموع صلاح این است آقای خاتمی برای دوره دوم بماند؛ چون اگر دولت دیگری بیاید، این مجلس و مطبوعات و احزاب چپ، نمی‌گذارند کار کند. پرسیدیم، فکر می‌کند که ۴ سال بعد، وضع بهتر خواهد بود؛ توانست جوابی بدهد.

دوشنبه ۲۲ اسفند

خداحافظی با سفیر استرالیا

[آقای استوارت هیوم]، سفیر استرالیا برای خداحافظی آمد. صحبت‌ها، تشریفاتی و دوستانه بود و می‌خواست بفهمد که سیاست نظام در انتخابات ریاست‌جمهوری چیست. گفتیم، تابع رأی مردم هستیم. گفت، دنیا به‌تدریج پستی به اهمیت مجمع تشخیص مصلحت برده و پس از انتشار بخشی از سیاست‌های کلی و ملاحظه تصمیمات درست و منطقی و نیز نقش مجمع در حل مشکل بودجه، تحلیل‌ها عوض شده است.

حاشیه سیاست

دلیلی برای دلگیری نیست

واکنش علی مطهری به ماجرای خانم دفزن در مراسم شهید مطهری

بالاخره دیروز در این باره سخن گفت و در کانال تلگرامی خود نوشت: «در برنامه بزرگداشت سالگرد شهادت آیت‌الله مطهری، مدیریت این خانه‌موزه برای خواندن شعری از حافظ که مورد توجه استاد شهید بوده یک برنامه دف و نی زنی تدارک دیده بود که دفزن یک خانم و نی‌زن یک آقا بود. وقتی این دو در جای خود قرار گرفتند چند تن از خانم‌ها نسبت به لاک غلیظ ناخن‌های کاشته آن خانم اعتراض داشتند. مدیر خانه‌موزه بدون آن‌که با من مشورت کند، آقایی را که همکار و استاد خانم دفزن بود، جایگزین وی کرد و طبعاً خوشایند آن خانم نبود. سپس آن خانم‌های معترض از او دلجویی و عذرخواهی کردند. من هم در پایان برنامه از وی عذرخواهی کردم و رفع کدورت شد و با لبخند و مزاح خداحافظی کردیم و احساس من این بود که دیگر دلگیر نیست.»



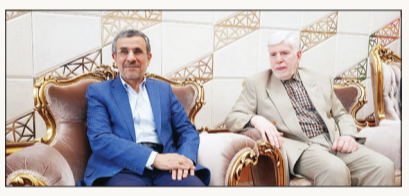
اتفاقی که در مراسم سالگرد شهید مطهری در خانه موزه آن شهید برگزار شده بود و واکنش‌های بسیاری را در پی داشت، بالاخره باعث شد تا علی مطهری درباره آن سخن بگوید. ماجرا از این قرار بود در مراسم چهل و پنجمین سالگرد شهادت آیت‌الله [مرتضی مطهری] که همراه با موسیقی زنده بود و در آن خانمی مشغول دف زدن بود، یک آقایی در میان موسیقی روی صحنه می‌رود و مانع از دف زدن خانم نوازنده می‌شود و دف را می‌گیرد. فیلم این صحنه نیز توسط برخی از روزنامه‌نگاران در شبکه‌های اجتماعی بازنشر شد و انتقادات تندی را از کسانی که این مراسم را برگزار کرده بودند، در پی داشت. علی مطهری که خود در این مراسم حاضر بود ابتدا سکوت کرد و واکنشی نشان نداد و حتی اعلام کرد، قصد ندارد در این باره سخن بگوید. اما

سیاست

سفر بی حاشیه

احمدی‌نژاد به بوداپست سفر کرد

تلگرامی بهار که رسانه وابسته به احمدی‌نژاد است با انتشار لحظه به لحظه این ماجرا بر تشش موجود افزود و خبر داد که احمدی‌نژاد گفته است از فرودگاه امام خارج نمی‌شود تا مشکل ممنوع‌الخروجی او حل شود. ساعتی بعد سایت دنیای اقتصاد نوشت: «ادعا شده که برخی عوامل اطلاعاتی و امنیتی با حضور در فرودگاه امام خمینی (ره) ضمن ضبط گذرنامه احمدی‌نژاد از سفر وی به گواتمالا ممانعت به عمل آورده‌اند. این منابع گفتند که با توجه به اعلام پیشین به آقای احمدی‌نژاد همچنین جلوگیری از خطرات احتمالی امنیتی این سفر برای این مقام سابق کشورمان از سفر امروز او به گواتمالا ممانعت به عمل آمد؛ رعایت جوانب امنیتی برای هر کدام از مقامات فعلی و سابق صرف‌نظر از مواضع سیاسی آنها جزو مسائلی است که دست‌انگازهای امنیتی به صورت معمول به آن توجه دارند.» با این حال با فشار احمدی‌نژاد و عدم خروج او از فرودگاه، مشکل خروج وی نهایتاً با چند ساعت تأخیر حل شد و وی توانست از کشور خارج شود. سفر فعلی او به مجارستان نشان می‌دهد که ظاهراً مشکل ممنوع‌الخروجی او کلاً حل شده است.



محمود احمدی‌نژاد به منظور شرکت در یک نشست علمی و تخصصی پیرامون «ارزش‌های مشترک در محیط زیست جهانی» دیروز عازم بوداپست، پایتخت مجارستان شد. آن‌طور که رسانه نزدیک به احمدی‌نژاد نوشته، این سفر در پاسخ به دعوت رسمی دکتر گرگلی دلی، رئیس «دانشگاه ملی لودویکای» مجارستان انجام شده است. این نشست از ۱۷ الی ۲۱ اردیبهشت در بوداپست برگزار می‌شود و طی آن احمدی‌نژاد به عنوان میهمان ویژه در باره اهمیت و ضرورت مقابله با تهدیدها و آسیب‌های وارده به محیط زیست سخنرانی می‌کند. دانشگاه ملی لودویکای بوداپست، فعالیت آموزشی خود را به طور متمرکز در حوزه خدمات عمومی و مدیریت دولتی به انجام می‌رساند و ریاست آن توسط رئیس جمهور مجارستان منصوب می‌شود. این دومین سفر احمدی‌نژاد در سال‌های اخیر است. پیش از این و در نیمه سال گذشته، او تصمیم گرفت به دعوت دانشگاه گواتمالا در یک سمپوزیوم بین‌المللی چهارروزه عازم این کشور در آمریکای مرکزی شود اما در فرودگاه متوجه شد که ممنوع‌الخروج است و نمی‌تواند از ایران خارج شود. کانال

شبکه

دوشکایت از افعی تهران

آموزش و پرورش از سرپال افعی تهران شکایت کرد

بلافاصله خبر رسید که شماری از تشکلهای معلمان استان یزد در نامه‌ای سرگشاده خطاب به مدیرکل ارشاد یزد، خواستار برخورد قانونی با توهینی شدند که معادی با ناظم یزدی خود کرده بود. ماجرا این قسمت نیز چنین بود که آرمان بیانی (با بازیگری پیمان معادی) پس از سال‌ها با ناظم یزدی دوران مدرسه‌اش مواجه می‌شود؛ ناظمی که به ادعای آرمان، خاطرات کتک‌هایش پس از گذشت سال‌ها هنوز از ذهن او پاک نشده و حالا این ملاقات را به‌مثابه یک فرصت انتقام‌جویی می‌داند. آرمان بیانی (پیمان معادی) هرچه در دل دارد به ناظم دوران راهنمایی‌اش (آقای شکوهی) می‌گوید و این درحالی است که شکوهی اذعان می‌کند که در دوران کاری خود هرگز دانشی‌آموزی را تنبیه بدنی نکرده است اما در پایان این سکانس آرمان معلم زمان کودکی را برای مجازات در کنار اتوبان از ماشین پیاده می‌کند. اکنون معلمان و فرهنگیان یزدی خواستار برخورد با عوامل این فیلم شده‌اند.



ظاهراً یکی از قسمت‌های سرپال افعی تهران که تلاش می‌کند بُعد روان‌شناسانه‌ای به آن داده شود مورد عصبانیت آموزش و پرورش قرار گرفته تا جایی که مدیرکل حقوقی این وزارتخانه از شکایت و اعلام جرم رسمی آموزش و پرورش علیه دست‌اندرکاران اصلی یکی این سرپال نمایش خانگی خبر داده است. سکانسی در قسمت هشتم از سرپال «افعی تهران» به تنبیه دانش‌آموزان در مدارس می‌پردازد که این موضوع بحث‌برانگیز شد و واکنش‌های زیادی را به دنبال داشت. در این سکانس آرمان بیانی (پیمان معادی) خاطره کتک خوردن‌هایش از ناظم را یادآوری می‌کند و قصد انتقام‌جویی دارد. اکنون مدیرکل حقوقی وزارت آموزش و پرورش می‌گوید در جهت برخورد با این اقدام ناشایست و غیراخلاقی از نویسنده و کارگردان و عوامل این سرپال، شکایت و علیه آنها اعلام جرم کرده‌ایم. وی همچنین خواستار توقف پخش سرپال شده است. اما ظاهراً این پایان ماجرا نبود، زیرا

حاشیه سیاست

مرتضوی وارد می‌شود

با شکایت سعید مرتضوی یک وکیل دادگستری به زندان رفت

ظاهراً ماجراهای سعید مرتضوی تمامی ندارد. قاضی معروف مطبوعات که روزنامه‌نگاران و چهره‌های سیاسی از او خاطرات بسیار بدی دارند همچنان فعال است. چه آنکه دیروز خبر رسید که مصطفی ترک‌همدانی، وکیل دادگستری برای تحمل ۹۱ روز حبس راهی زندان شد. حکمی که براساس شکایت سعید مرتضوی علیه او صادر شده بود. نکته جالب این است که سعید مرتضوی نیز این روزها درگیر وکالت است و از دور و نزدیک وکالت برخی پرونده‌ها را بر عهده می‌گیرد. با این حال ماجرای بازداشت مصطفی ترک‌همدانی از زمانی آغاز می‌شود که سعید مرتضوی در دولت احمدی‌نژاد به عنوان مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی منصوب می‌شود. بعد از گذشت مدتی از فعالیت او در این سازمان، نمایندگان مجلس وقت طرحی با عنوان «تحقیق و تفحص از سازمان تامین اجتماعی» را کلید زده و گزارش مسائل مالی رخ داده در زمان تصدی مرتضوی را بعد از طی مراحل قانونی در مجلس به دادرسی عمومی و انقلاب تهران ارسال می‌کنند. پرونده مربوطه در یکی از شعب بازپرسی کارکنان دولت تشکیل می‌شود. همزمان پیمان‌حاج محمودعطار و ترک‌همدانی از طرف خودشان اصالتاً به عنوان طرف بیمه مطرح کردند. در حین رسیدگی مشخص شد که یکی از موارد مالی مرتضوی در زمان ریاست بر تامین اجتماعی، پرداخت وجه از حساب این سازمان به موسسه‌ای به نام مؤسسه خیریه نخبگان عدل است. آنها وقتی به سایت روزنامه رسمی و ثبت شرکت‌ها مراجعه کردند، متوجه شدند که او صاحب امضا در این موسسه نیز هست که مدارک مربوطه با طی مراحل قانونی به مرجع ذی‌ربط ارائه شد. سهامدار و صاحب امضای دیگر در این موسسه یکی از قضات بود. سعید مرتضوی در نهایت محکومیت تعزیری قطعی می‌گیرد؛ حکمی که به مرحله اجرا هم می‌رسد. بعد از چند سال مرتضوی درخواستی مبنی بر اعاده دادرسی به دبیرخانه دیوان عالی کشور داده و اعلام کرده که محکومیتش در باب سازمان تامین اجتماعی اشتباه و او بی‌گناه بوده است. و در سال ۱۴۰۱ او را از تمام اتهامات مالی تبرئه کرد. درحالی که تمام مراحل قانونی پرونده مرتضوی در مجلس، بازپرسی، دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر مورد رسیدگی قرار گرفته و منتج به رای قطعی شده بود. عطار در این خصوص می‌گوید: «ترک‌همدانی، موکل من ماجرای او که در ماجرای دریافت وجه از مرتضوی و تامین اجتماعی در موسسه نخبگان عدل سهیم بوده را رسانه‌ای کرد. به دنبال این ماجرا مرتضوی به عنوان نشر اکاذیب از موکل من شکایت کرد. ترک‌همدانی در نهایت به ۹۱ روز حبس و ۱۵ میلیون تومان جزای نقدی محکوم شد.»

